

وداع کرده داخل کشتی‌های کوچک شدیم و آمدیم برای کشتی مخصوص خودمان رسیده رقتیم بالای کشتی سردروموندولف و رالسون و جنرال ماکلین قونسول خراسان در اینجا مرخص شده رفتند ناصرالملک هم مرخص شده رفت باکس فرت چون در آنجا تحصیل کرده و آشنایانی در آنجا دارد می‌خواهد از آنها دیدنی نموده بعد از دو سه روز بیارپس مراجعت نماید زیاده از یک ربع ساعت دیگر توقف نکرده لنگرهارا کشیدند حرکت کردیم .

روز دیگر کشتی شاه در بندر شر بورخ لنگرانداخت از طرف دولت فرانسه نیز احترامات منظور گردیده شاه در اینجا می‌نویسد: « بعد وقت رفتن رسید سه ساعت بظهر مانده برخاستیم سرجان مکنیل سرجان مکنیل که از اول خاک انگلیس تا اینجا هم‌انداز ما بود و این خویش همان سرجان مکنیل است که در اواخر سلطنت خاقان مغفور فتحعلی شاه و اوایل سلطنت مرحوم محمد شاه پنجم سفارت در طهران بود بحضور آمد مرخصی شد چرچیل نایب سفارت انگلیس که در طهران است و کاپیتان کشتی هم مرخص شدند ما از پله کشتی پائین آمده داخل قایق طولانی شدیم... باز کشتیها و قلعه‌جات شلیک توپ زیادی کردند... خلاصه را ندیم تا بساحل رسیدیم... و از خشکی شدیم تمام صاحب منصبان بحری و بری که در کشتی معرفی شده بودند در اینجا نیز حاضر بودند... جمعیت زیادی از اهل شهر ایستاده بودند... یک فوج سرباز هم صف کشیده ایستاده بودند خیلی صف ممتدی بود پیاده از جلو صف تا آخر رقتیم و دوباره برگشتیم خیلی سربازهای خوبی و خوش لباس بودند... »

از شهریار ایران در پاریس نیز پذیرائی خوبی بعمل آمد. اول ماه ذی‌حجه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸۸۹ میلادی در پاریس بودند در روز دوازدهم از پاریس حرکت نموده بیادن بادن می‌روند در مدت توقف پاریس تمام را در عیش و نوش و تفریح بودند صفحات سفرنامه را که اسان مطالعه میکند صحبت از رفص و رفاهی و تماشاخانه و عیش و نشاط و سرور است مطلبی که بتوان آنرا در اینجا نقل نمود در جزو صفحات روزنامه شاه دیده نمیشود جز اینکه جزو وقایع روز دوازدهم ذی‌حجه می‌نویسد: « بارهائیکه در

اینجا از برای ما بسته شد بقدر سیصد بار بود دادیم به حاجی حسینقلی خان وزیر مختار اتاژوتی که از راه مارسیل و باطوم با خود حمل داده باقرلی برد .^(۱)

شاه از بادن بادن باشتودکارت از آنجا به مونیخ می‌رود در این شهرهای آلمان نیز از شاه پذیرائی خوبی می‌کنند و در هر یک از این شهرها شاه چند روزی توقف میکنند در شهر مونیخ که پایتخت دولت باواری است قدری بیشتر توقف نموده گردش و سیاحت می‌کنند از طرف دولت باویر نیز خیلی خوب استقبال و پذیرائی میشود.

شاه در مونیخ در این سفر با سید جمال‌الدین اسدآبادی ملاقات نموده باو مأموریت مخصوصی داده بودند که به پترزبورگ برود راجع بمسائلی که دولت روس آنها را بهانه نموده از دولت ایران چند فقره شکایت داشت آنها را بر طرف کند و تئیکه بموضوع سید جلال‌الدین برسیم باین قسمت نیز اشاره خواهم نمود.

شاه در ۲۵ ذی‌حجه وارد وین میشود از طرف دولت اطریش نیز از شاه استقبال شایانی بعمل می‌آید و با جلال و شکوه وارد میکنند در این باب مینویسد: «جمعیت زیادی در گار حاضر بودند اعلیحضرت امپراطور اطریش فرانسوا ژوزف با انیفرم سفید و شلوار قرمز با تمام شاهزادگان خانواده سلطنتی و ارشیدوئکها و نواب ارشیدوئک لوئی برادر اعلیحضرت امپراطور که حالا ولیمپد هستند با پسرهایسان و اغلبی از جنرالها حاضر بودند پیاده شده با اعلیحضرت امپراطور دست داده تعارف کردیم و امپراطور با کمال مهربانی و دوستی پذیرفته یک دسته سرباز صف کشیده بودند . . با اعلیحضرت امپراطور از جلو صف سرباز گذشتیم . . تمام شاهزادگان و ارشیدوئکها را برای ما معرفی کردند»^(۲)

شاه در وین مهمان امپراطور اطریش بوده اجترامات لازم درباره او و همراهانش بعمل آمد. دوروزی در وین متوقف بودند بعد از راه روسیه به تفلیس رفته از آنجا تبریز و در تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۰۷ بطهران می‌رسند.^(۳)

(۱) سفرنامه شاه صفحه ۹-۲

(۲) ایضاً صفحه ۳۶۳

(۳) ایضاً صفحه ۴۱۱

فصل پنجاه و هشتم

وقایع ایران بعد از ورود شاه به تهران

خاتمه سفر نامه شام در سفر نامه شاه از قضایای سیاسی صحبت نشده - این همه تجلیل از شاه برای چه بوده - سوابق امر - کابینه گلداستون و کابینه لردسالزبوری - با ورود سر هنری دروموندولف سیاست در ایران عوض شد - اشاره باختلاف دوئتین روس و انگلیس - اهمیت ایران در نظر دولت انگلیس - نطق لرد سالزبوری در باب ایران ستایش از دوستی و یگانگی ایران - این سیاست دوامی نکرد - علت آن - لرد گرزن از مسافرت شاه بلندن صحبت میکند - اهمیت صحبت لرد گرزن - گرزن سیاست دولت را نسبت بایران شرح میدهد - از شهریار ایران تعریف میکنند - لرد گرزن در طهران با شاه ملاقات میکند - شرح این ملاقات - گرزن از امتیازات صحبت میکند - اشاره به میرزا ملکم خان و موضوع امتیاز لاتار - چرا لغو شد - گرزن از امتیاز راه شوسه طهران تا اهواز صحبت میکند - امتیازات زیادی در این ایام بخارجیها داده میشود - گزارش میرزا عباسخان قوام الدوله بشاه - نفوذ خارجی در سالهای اخیر سلطنت ناصرالدین شاه

بهندوستان تردیك كنند این بود که سردرومندولف مأمور ایران گردید و باین نیت هم بایران اعزام شد که در اثر جدیت و کوشش او بار دیگر مانند ادوار گذشته از دولت و شهریار ایران تحسب کند و بهر عناوینی که ممکن باشد میبودا و روابط حسنه را بین دولتین ایران و انگلیس برقرار کند این بود چنانکه قبلاً تذکر دادشاهو امین السلطان هر دو شیفته اخلاق نیکوی و لف شدند.

میتوان گفت بطور کلی تسلیم سیاست انگلیسها گشتند و آنچه که انگلیسها خواستند گرفتند و آنچه که خواستند امین السلطان انجام داد و در ضمن درست مطابق نقشه که در زمان میرزا حسین خان سپهسالار بموقع اجرا گذاشته شده بود این بار نیز برطبق همان نقشه شاهرا بلندن دعوت نمودند و منتهای مهمان نوازی را در باره او بعمل آوردند. تمام این نمایشها برای این بود که شاه و صدراعظم مقنون این همه نوازشها شده قوای مادی و معنوی ایران را برای حفظ سرحدات هندوستان در اختیار دولت انگلستان بگذارند.

رقابت و دشمنی کمتر زمانی مانند سالهای ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۲ بین روس و انگلیس در جریان بوده در این سنوات دشمنی بین دولتین بمنتهای درجه رسیده این بود که بدوستی دولت ایران دولت انگلیس بیشتر در این دوره احتیاج داشت تا در ادوار گذشته. این بار دیگر حریف پر زور خود را به پشت دروازه هندوستان رسانیده بود و برای دولت انگلیس چاره جز این نبود که بهر تدبیری شده اولیای امور ایران را با خود همراه گرداند و شاه را بخطرانی که از طرف روسها متوجه ایران است آگاه گرداند. در این هیچ تردیدی نیست که اعمال سیاسی دولت انگلستان موفق شدند شاه و امین السلطان هر دو را جاب کردند.

در این سنوات سه نفر از وزراء مختار دولت انگلیس در ایران مأموریت پیدا نمود هر سه نفر از رجال برجسته انگلستان بودند سر آرتور نیکولسن (۱) سر هنری

درومو ندولف و سرفرانك لاسل^(۱)

این سه نفر راه تحسب را بخوبی پیش گرفته و بهرزبانی بود موفق شدید شاه و امین السلطان را بطور کامل در دست بگیرند.

جدیت و کوشش سردرومو ندولف بود که امتیاز بانک شاهنشاهی - امتیاز معادن و امتیاز راه اهواز - طهران و امتیاز کشتی رانی رود کلون و غیره را از ناصرالدین شاه برای انگلستان بدست آورد. در اثر تشویقات و تلقینات تولف بود که شاه بهار دوم بعزم دیدار ملکه انگلستان عازم لندن گردید.^(۲)

شاه در سفر نامه خود هیچ اشاره بموضوعات سیاسی نمیکند و به مذاکرات و نطقها و خطابهها که در آن مجالس پذیرائی پیش آمده بود اشاره نمیکند.

شاه بطور مفصل بمهمانی لرد میر حاکم لندن اشاره نمیکند اما به نطقیکه لرد - سالزبوری در آن مجلس مجال و باشکوه نموده بود هیچ اشاره نمیکند. در آن مهمانی لرد سالزبوری که سمت صدراعظمی انگلستان را داشته نطق مفصلی ایراد نموده که من بیک قسمت از آن نطق در اینجا اشاره میکنم -

در آن شب لرد معظم گوید: ما بایک علاقه مندی فوق العاده و بایک نظر موافقت آمیز و بایک سیاست موافق سیاست نازهای که اعلیحضرت پادشاه ایران در پیش گرفته است ناظر هیباشیم. ما بهترین پیش رفت ممکنه را برای یک چنین سیاستی خواهان هستیم. ما بهترین سعادت و نیک بختی را برای ذات ملوکانه و ملت نجیب ایران آرزو مندیم ما امیدواریم این روابط نیک که بادیای خارج پیش آمده و در این دوره بهترین طریق سعادت بشمار میرود مملکت ایران را باوج ترقی و کامیابی برساند، بالاتراز همه ما از صمیم قلب خواهان این هستیم که مملکت ایران نه تنها سعادت مند شده بمدارج عالی ترقی برسد بلکه دارای قدرت و استعداد کافی هم باشد. توانا از حیث ثروت نیرو مند در فراهم نمودن وسائل ترقی در مملکت ثابت و محکم برای حفظ اتحاد و صمیمیت با دوستان خود. ما تمام اینها را برای ملت و مملکت ایران صمیمانه خواهانیم که قادر

(1) Sir Frank Laucelles .

(۲) در سفر دوم شاه دولت انگلیس حاضر نشد از شاه پذیرائی کنده این بود که مسافرت بلندن صورت نگرفت.

باشد و بتواند در طریق صلح و صفا که فعلا داخل در آن مرحله شده است در امنیت و آسایش قدم بزند. ما از مهمان‌داری و عالی مقام خود تمنی می‌کنیم کلاما اعتماد و اطمینان داشته باشند که ما در خواست‌های خودمان جز خواهش موضوعات اقتصادی و تمنای دوستی سیاسی چیزی نخواسته و نخواهیم خواست و هیچ نوع نظر سوء و یا منافع خصوصی برای خودمان در این میان نداشته و نداریم. ما هرگز آن دوستی را که منجر بسوء استفاده شود و یا قصد تجاوز یا تعدی در آن باشد بر شهریار ایران تحصیل نمی‌کنیم تمام آن چیزی که ما خواهان آن می‌باشیم عبارت از اینست که از طریق صنعتی و اقتصادی تحصیل شده باشد آنها نیز دارای منافع عمومی باشد هیچ وقت هم یک ملت اختصاص نداشته باشد و تمام ملل دنیا بتوانند از آنها برخوردار باشند. (۱)

در نتیجه این خطابه‌ها و پذیرائیها بود که دولت ایران را در این تاریخ کلاما بطرف انگلستان سوق داد لرد کرزن می‌گوید: «صدر اعظم ایران بمن اظهار مینمود چندی قبل از سیاست انگلیس در ایران اثری پیدا نبود میتوان گفت اصلا سیاسی وجود نداشت و حال دولت ایران در سیاست خویش متمایل بطرف انگلستان میباشد.» (۲)

ولی سیاست این ایام در اروپا هر روز و هر ساعت بواسطه علل و اتفاقات گوناگون در تغییر است با اینکه شاه و صدر اعظم در همین سنوات نسبت با انگلستان ایمان کامل و عقیده غیر متزلزل پیدا کرده بودند و در مقابل تقاضاها و خواهش‌های آنها خودداری نداشتند و کاملاً تسلیم نظریات آنها شده بودند باز دو سال بعد نظرها بطور کلی تغییر نمود آن سیاست تحبیب و اتحادویگانگی بکلی فراموش شد باز ایران را در مقابل گردباد تند حوادث عالم سیاست ول کرده تغییرات کلی در سیاست خودشان نسبت با ایران قائل شدند و از همین تاریخ بشکر افتادند که منطقه نفوذ روسها از سیستان تا گرگان - یزد - اصفهان و کرمانشاه و خاقین محدود کنند و این قسمت را سهم روس بدانند و بکوشند از این خط تجاوز نشود.

[1] Persia and Persian Question . By Curzon Vols 2 P619

برای روشن شدن اذهان خوانندگان فصل جداگانه در سیاست این ایام اروپا خواهم نوشت و نشان خواهم داد چه تغییراتی محسوس در سیاست‌های دول اروپا پیش آمده که در نتیجه دولت انگلستان بطرف روسها متمایل شده از ایران و آسیای مرکزی برای چندی برکنار شدند در قضایای آن سکوت کردند و این تغییرات در سیاست اروپا باعث شد که سیاست انگلیس نیز در ایران تغییر کند و عباتاً باین قسمت در این جا خاتمه میدهم فقط يك اشاره مختصر لازم است بشود باینکه در این تاریخ روابط بین دولتین روس و انگلیس فوق‌العاده تیره شده بود و این تیرگی روابط تا سال ۱۸۹۲ ادامه داشت بعد قضایای مهم سیاسی پیش آمد که محتاج شدند آنرا ترك گویند و ایران نیز بعد از آنهمه نمایشها و آنهمه هماهنگیها و آن همه اظهار دوستی و صمیمیت باز تنها ماند و مثل همیشه در میان دو سنگ آسیا گرفتار گردید شرح آن بزودی بیاید.

موضوع دیگر که قرار آن در این مسافرت داده شده بود همانا امتیاز دخانیات بود که در لندن تمام مذاکرات و شرایط آن امتیاز بمیان آمد و شاه و صدراعظم هر دو استقبال نموده بودند (۱) و بعد از مراجعت و ورود بتهران در مدت خیلی این کار عملی شد که بشرح آن هیادرت میشود.

لرد گرزن معروفی که پس از ورود شاه بتهران عزم سیاحت ایران نموده بود چندماه بعد بتهران رسید. راجع بمسائل سیاسی و مسافرت شهریار ایران بلندن چنین مینویسد: «مسافرت شهریار ایران ب انگلستان که در سال ۱۳۰۶ - ۱۸۸۹ واقع گردید و پذیرائیمای رسمی و عمومی که در تمام مملکت بریطانیای کبیر از ایشان بعمل آمد پیداست که مجدداً موضوع ایران و مسئله آن در انگلستان کسب اهمیت نموده است.

قضایای ایران درین سنوات اخیر چنین جلوه نموده بود که این مملکت دور افتاده چندان قابل اهمیت نمیشد.

(۱) در مراسله که امین‌السلطان به میرزا حسن شیرازی میدهد صبر مینویسد باین موضوع

اشاره میکند تاریخ بیداری ایران تألیف ناظم‌الاسلام کرمانی جلد اول صفحه ۷۰

البته درك چنین مسئله برای افکار عمومی خالی از اشکال نیست ولی توجهات عمومی از شاه انگلستان تا سایرین نسبت باین مهمان محترم و جدیت هائیکه برای نشان دادن قدرت و عظمت انگلستان بعمل آمد و نمودن تمام منابع شوکت و جلال و گرداندن او در محل های صنعتی و تجارتی بریتانیای کبیر حاکی از این میباشد که آن عدم توجه سالهای قبل بمسائل ایران فعلا دارد از بین می رود علاوه بر اینها اقداماتی که برای اظهار دوستی بعمل آمد دلیل بر این میباشد که پادشاه ایران بالاتر و مهمتر از يك صاحب نفوذ شرقی است که عشق سیاحت و گردش در ممالک خارجه او را مجبور باین مسافرت نموده است و ما نیز عقب او افتاده برای خوش آمد دست زده هورا بکشیم .

نوده ملت انگلستان تاحدی آگاه هستند که محرك تمام این قضایا يك سیاست پس عالی و ماهرانه است که در کار عمل و انجام میباشد اینکه این شهریار را از طریق رود طیمس وارد لندن نموده در عمارت کیدهال با جلال و شکوه تمام منزل داده از او پذیرائی کامل شده و در تمام مراکز صنایع و ترقیات روزافزون تعاشا دادوبه تمام آنها هدایت نموده است و شهرهای معظم تجارتی را نشان داده است البته يك چنین شخص عالی مرتبه باید دوست صمیمی و هم متحد با وقای ملت انگلستان باشد بعلاوه در سیاست شرقی ما مملکت ایران يك عامل مهمی بشمار می رود حتی آن کسانی که بمسائل سیاسی امپراطوری انگلستان کمتر توجهی نشان میدهند آنها نیز از عیان دارند ایران يك مملکتی است که زمینهای وسیعی برای تجارت انگلستان و هندوستان دارا میباشد هرگاه مسائل دیگری را هم در نظر نیاوریم تنها مسئله تجارتی کافی تواند بود که روی همین يك موضوع بخصوص داخل مذاکره شده با هم کنار بیائیم و به همین دلیل است که اهمیت زیادی باین مسافرت داده میشود و پذیرائی های شایانی از روی میل و رغبت و اراده بعمل آمده است.

با این حال باز چه در مطبوعات انگلستان و چه در داخله پارلمان انگلیس کسانی بودند و کسانی هستند که اهمیت موضوع را آنطوریکه باید و شاید درك نموده و یا اینکه قادر نمیشدند آثار و علایم را آنطوریکه لازم است تمیز میدهند و حتی هم گفته

شده است که اینهمه نمایش و تظاهرات دربارہ یک پادشاه لازم نمیباشد زیرا که اوتامام این تظاهرات را حقیر می شمارد و از چنین کسی انتظار تلافی نمیتوان داشت ولی عیب کلی در اینجا است که مسائل اساسی سیاست ایران را هنوز این اشخاص درک ننموده اند و اگر هم تمیز داده باشند خیلی ناقص است، آن موضوعیکه حقیقتاً دارای اهمیت میباشد یک مسئله بسیار مشکلی است و نمیتوان آنرا سرسری گرفت و بی اهمیت فرض نمود تصور میکنند موضوع خیلی سهل و ساده است و ممکن است روزی هم از نظر ما محو گردد (۱) در این هیچ تردیدی نیست که یک چنین نظر و عقیده وجود دارد در صورتیکه این نوع افکار از روی اشتباه است و ممکن است نتیجه آن بسیار زیان آور باشد.

لرد کرزن در این جا علاوه نموده گوید: من قصد دارم این مسائل را با آن قضایائی که در مملکت ایران بی چشم خود دیده و سنجیده ام روح مسئله ایران را دقیقاً موضوع بحث قرار بدهم و در ضمن بخوانندگان انگلیسی منافع و وظیفه ایشان را در این مملکت دوردست خاطر نشان کنم و با آنها حالی نمایم بجه دلیل آنها مجبور میباشند سیاست و ترقی مملکت ایران را باید چنین نمایشانی طرف توجه قرار بدهند، معنی تمام این ها چیست و منافع و نتایج این اتحاد و دوستی با ایران چه میباشد و چرا غیر ممکن است باشه پادار ایران و با ملت آن مملکت جز این طریق دیگر رفتار نمود.

در این باب موضوعات زیادی وجود دارد که در جزو شرح قضایا با آنها نیز برخورد شده در باب آنها بحث طولانی بعمل خواهد آمد از آن جمله سیاست امروزه دولت پادشاهی ایران میباشد همچنین دولت ایران و وضع حالیه آن و اهمیت آن و منافع و مضار آن آیا ممکن است این مسافرتها سبب شده باعث شود یک نوع اصلاحاتی در وضع حکومت پیش بیاید؟ مسائل دیگر از قبیل جانشین آینده پادشاه - استعداد و قدرت قشونی آن و استفاده از این قشون ایجاد راه آهن در ایران و استعداد سیاسی ملت و نفوذ نسبی دولتین روس و انگلیس در آن مملکت قصد و نیت این دو دولت نسبت با ایالت خراسان و رقابت شدید و جدی با تجارت انگلیس، در تمام ایالات ایران و سایر موضوعات دیگر که هر یک

(۱) در این تاریخ دولت انگلیس از روس و فرانسه فوق العاده در وحشت بوده، تاریخ اروپا و

بنوبت خود قابل بحث و تحقیق است.

در اینجا لر دگرزن اشاره به مسافرت اول شاه بلندن نموده از کتاب سرچارلز مکرینگور که در باب خراسان نوشته است شاهد می‌آورد (۱) مینویسد:

«سرچارلز مکرینگور در سال ۱۸۷۵ در نواحی و اطراف خراسان می‌ساحت مینمود موقعی بود که شهریار ایران تازه از اولین مسافرت خود با اروپا مراجعت نموده بود این شخصی در آن تاریخ چنین اظهار عقیده نموده است میگوید «من تصور نمیکنم پذیرائیهای ما از پادشاه ایران بیک نتیجه برسد و یا از آنها قایده مترتب شود زیرا که ایرانیها خوب میدانند که ما از روسها در وحشت و از آنها در اضطراب هیپاشیم و اینرا مثل یک مسئله سیاسی تصور میکنند پذیرائیهاییکه با آن شوق و ذوق در لندن از شاه ایران بعمل آمد تمام اینها باعث شد که در انظار ایرانیها بمقامات شاه افزوده شود اما در اوضاع و احوال سیاسی ما در ایران هیچ تغییری حاصل نگردید بعقیده من حقیقت مطلب این است که ما در مقابل خطر روس خیلی بی‌تایمی می‌کنیم و سعی میکنیم ایران در طرفداری ما ثابت بماند مخصوصاً در موقعیکه خطر روس نزدیک می‌شود مادولت ایران را در مقابل بقیتهای زیادی بطرفداری خود داشته باشیم من برای این نوع خیالات و نظریات جز تأسف، فوق‌العاده چیز دیگری نمیتوانم اظهار کنم...»

گرزن در این جا باین اظهارات سرچارلز مکرینگور علاوه نموده مینویسد: «من سعی خواهم نمود این مسئله را روشن کنم آیا یک چنین عقیده در میان اتباع شهریار ایران وجود دارد یا نه و در عرض شانزده سال گذشته که فاصله بین این دو مسافرت است نظریات سیاسی در ایران پیش رفته است یا نه؟

بطور کلی امروز میبایست مملکت ایران از نقطه نظریکنفرانگلیسی مخصوصاً از نقطه نظریکنفر سیاستمدارانگلیسی مورد دقت و مطالعه قرار گیرد و بهمین مناسبت است که من در هر یک از این مسائل دقت نموده بحثهای لازم را در باب هر یک خواهم

(۱) در چاپ کتاب سرچارلز مکرینگور در سال ۱۸۷۶ در لندن بطبع رسید و این از مسافرت

اول شاه بفرنگ بود که در سال ۱۲۹۵ - ۱۸۷۳ واقع شد.

نمود البته بیشتر حق آن کسانی است که سالها در مملکت ایران بوده بموضوعات و مسائل آشنا هستند مخصوصاً با اخلاق و روحیات سکنه ایران بصیرت دارند ولی با تمام این احوال مسائل مهم سیاسی میبایست بدست کسانی حل و عقد گردد که صلاحیت آنرا دارا میباشند و آنچه که نظر میدهند قابل قبول و اعتماد باشد.

البته هیچ صلاح نیست و زینبند نمی باشد که نظریات شخصی داخل این نوع مسائل مهم گردد اینها مربوط بقضایای بس مهمتری میباشند که مربوط سیاستهای آسیائی است و مسئله ایران نیز قسمت مهم از آن سیاست بشمار است. (۱)

از این بیانات لرد گرزون معلوم میشود در این تاریخ چه اهمیت فوق العاده بموضوع ایران داده میشد انگلیسها در این اوقات از طرف روسها ساختن نگران بودند (۲) مخصوصاً نزدیکی روسها بفرانسه و دشمنی دیرینه فرانسویها با انگلیس و گرفتاریهای آنها در تمام دنیا و اصطکاک سیاست این دو دولت با دولت انگلیس چه در آسیا و چه در آفریقا يك اضطراب فوق العاده در انگلیسها تولید نموده بود این است ملاحظه میشود ایران چه قدر قیمتی در نظر انگلیسها پیدا نموده است و این همه مهمانی و پذیرائی از شاه و همراهان او برای تحسین و گرفتن يك نتیجه سیاسی بود.

اما آنچه که لرد گرزون راجع باین مسافرت در کتاب خود نوشته است : در این باب گوید : «شهریار ایران دیگر در این مسافرت اخیر جواهرات بسروینه خود نمی زد خیلی ساده حرکت مینمود (۳) علاوه میکند: «شام و قایم روزانه را قبل از این که استراحت کند تفریر مینمود و منشی مخصوص آنها را می نوشت، شاه بروز نامه تایمس لندن خیلی اهمیت میداد و از سیاستهای مختلف اروپائی کاملاً آگاه بود و تمام موضوعات سیاسی را برای او هر روز ترجمه مینمودند.»

در این مسافرت عزیز السلطان نیز همراه بود لرد گرزون شرحی از حال او مینگارند

(۱) کتاب لرد گرزون راجع بمسئله ایران جلد اول صفحه ۳

(۲) لرد گرزون مینویسد جنرال کروواتکین معروف نقشه حمله به هندوستان را کشیده و

به تصویب مقامات عالی نیز رسیده بود جلد اول ص ۳۸۶

(۳) ص ۳۹۶

مینویسد: «اسم او غلام علی خان و برادرزاده امینه اقدس است که یکی از زنهای نامی شاه میباشد. عزیزالسلطان فعلاً یازده سال دارد و درجه نظامی او فلنمارشال است و عکس دانه نشان شاهرآ بگردن خود انداخته است. .. هنگامیکه در طهران بودم در خیابانها مثل خودشاه حرکت میکرد، يك وقتی هم منتی بوزیرمختار انگلیس گذاشته باشد از او در سفارت انگلیس دیدن نموده است.» (۱)

گوزن گوید: «شاه بعد از مراجعت خود از سفر فرنگ دیگر از وحشیگریهای خود کاسه و آن خشونت‌های اولی خود را کنار گذاشته است.» (۲)

«خرجهای فوق‌العاده شاه در اروپا مردم ایران را ناراضی کرد و خریدهای زیاد اتمعه خارجی يك حس عدم رضایتی در ایران تولید نموده است.» (۳)

لرد گوزن در طهران با شاه ملاقات نمود در این باب مینویسد: «من قبلاً نیز در انگلستان بشاه معرفی شده بودم این بار نیز در قصر گلستان بحضور رفتم شاه تنها در وسط اطاق تخت طاوس ایستاده بود لباس خیلی ساده در برداشت. صحبت شاه با من بوسیله یکنفر مترجم صورت گرفت و فنیکه شنیدم از راه عشق آباد و قوچان وارد ایران شده‌ام خیلی تعجب نمود و مدت ده دقیقه از من سئوالات مینمود و از آجاها میپرسید اتفاقاً من نیز قبلاً مطالعه نموده حاضر جواب بودم. از وضع روسها در عشق آباد و از سرحد آنجا سئوالات کرد همه را جواب گفتم از عشق آباد سئوال کرد از وضع و ساختمان شهر. از خانه‌ها و خیابانها. سکنه و سر بازخانه‌ها و عده قشون هم‌را از من پرسید و بعد از راه قوچان سئوال کرد و از راه شسه پرسید و قسمت ساختمان روسها را در ایران یکی یکی سئوال کرد از مهندس راه و از عرض راه شسه تمام را بدقت سئوال نمود و جواب موافق شنید چونکه در حین مسافرت خود من تمام آنها را بدقت تحقیق نموده بودم.» (۴)

یاز لرد گوزن راجع بمسافرت اخیر شاه در جای دیگر (۵) اشاره کرده گوید: «شاه

(۱) جلد اول ص ۴۰۰

(۲) ص ۴۰۵

(۳) ص ۴۰۳

(۴) گوزن ص ۴۰۸

(۵) صفحه ۴۶۰

پس از مراجعت از سفر اخیر خود بفرنگ از جمله اصلاحاتی که شروع نمود موقوف کردن بست بود که برای فرار از مجازات رفته بست می نشستند من در جای دیگر باین موضوع اشاره نمودم مخصوصاً بست مشهد که بسیار معمول و مرسوم است شاه بعد از ورود بطهران حکم اکید صادر نموده بست را در تمام قلمرو ایران موقوف کرد اما از آنجا تیکه اجزا کنندگان آن اشخاص کهنه پرست بودند نتیجه از این حکم بدست نیامد و دیگر اثری از آن ظاهر نگردید و بطور کلی فراموش شد. «

در جای دیگر گوید : شاه بعد از مراجعت هیئتی را معین نمود که کودتا پلویون را ترجمه نموده مقررات آنرا در ایران اجرا کنند در صورتیکه هیئتی که برای این کار معین شده است هیچ اطلاعی از آن ندارد و حال شروع کرده دارند ترجمه میکنند. (۱)

از جمله مسائلی که بعد از مراجعت شاه از فرنگ پیش آمد انتشار اسکناس بود در قرارداد بانک شاهی که شرح آن قبلاً گذشت در ماه سوم قرارداد فوق الذکر مقرر بود معادل هشتصد هزار لیره بانک شاهی اسکناس رواج بدهد اول شرط بود برای دو سال نصف مبلغ آن بعدها نلک آن در بانک اعتبار موجود باشد و این اسکناس در سال ۱۳۰۷ - ۱۸۹۰ منتشر شد ..

در این تاریخ حتی قبل از مسافرت شاه بفرنگ پیدا است که یابنه صحرانک خارجی یا بمیل شخص شاه دولت ایران حاضر شده بود هر نوع امتیازی را که سرمایه داران یا سیاستمداران خارجی مخصوصاً انگلیسها تقاضا کنند در دادن آنها موافقت نکنند البته این فکر بعد از آمدن سر هنری دروه و دولف وزیر مختار انگلیس فوق العاده قوت گرفت و لاف در سال ۱۳۰۶-۱۸۸۸ طهران رسید در این باب لرد گریزن مینویسد: در تحت فشار دوستانه دولت انگلیس امتیاز گشتی رانی رود کارون و امتیاز بانک شاهنشاهی بانکها داده شد و بعد از مراجعت شاه از سفر فرنگستان - نمایندگان سرمایه داران اروپایی برای گرفتن امتیازات هاند سور و خلق طهران هجوم آوردند و معروف بود

(۱) ص ۴۶۲ در اینجالدرد گریزن روح اداری و وطن پرستی ایران را تنقید نموده است و ایانی را راشی و مرتشی میکند و ملت را فاقد روح وطن پرستی میخواند ص ۴۶۳

عده زیادی در طهران حاضر بودند امتیاز بگیرند از قبیل امتیاز کارخانه قند - شیشه - تلفون - چراغ الکتریک و برای احداث تاکستان و انحصار انواع اقسام محصولات فلاحی و غیره شاه نیز حاضر است موافقت کند چونکه مبلغ کلی حساب شخص شاه داده میشود هرگاه این امتیازات عملی شوند البته يك مبلغی هم بایدهای مملکت علاوه خواهد گشت و اگر بجائی نرسید و نتیجه گرفته نشد ضرر تقاضا کننده تمام خواهد شد. (۱)

از جمله امتیازاتی که لرد گرزین اسم میبرد یکی هم امتیاز لاتار بوده آنچه من اطلاع دارم این امتیاز را میرزا ملکم خان از شاه گرفت و اتابک اعظم نیز در این کار ذی نفع بوده این امتیاز را میرزا ملکم خان در لندن بیک مؤسسه انگلیسی فروخت و چهل هزار لیره گرفت در سر تقسیم یاد در باره مسائل دیگرین میرزا ملکم خان و صدراعظم ایران که در آن تاریخ میرزا علی اصغر خان بود بهم خورد و همین مسئله باعث شد که ملکم از سفارت ایران در لندن معزول شد و از چشم شاه افتاد و ملکم خان بر ضد اتابک و دربار ایران قیام نمود نتیجه این مناقشه اینکه روزنامه قانون در لندن برقرار شد و عمده مطالب آن تنقید از صدراعظم و درباریان شاه بود.

در باب امتیاز لاتار لرد گرزین مینویسد از جمله امتیازاتی که در این تاریخ داده شد و شاه هم سهم خوبی از آن دریافت کرد امتیاز لاتار بود و طولی نکشید امتیاز مزبور را فرو کردند این امتیاز در لندن بدست يك سندیکا افتاد بعد از آن کمپانی دیگری آنرا خریداری نمود در دست این کمپانی بود که الفای آن اعلان گردید و این مسئله فوق العاده در بازار لندن تولید نگرانی کرد و افکار مخالف پیدا شد و لطمه بزرگی باعتبار ایران وارد آورد و در پائیز همان سال ۱۳۰۸ - ۱۸۹۰ و قتی که امتیاز انحصار دخانیات ایران که با انگلیسها داده شده بود در بازار لندن پیدا شد که برای عملی نمودن آن اعتبار مخصوصی تهیه شود چندین بر خود خوبی از آن نکردند و آن اقبالی که لازم بود از طرف سرمایه داران بغداد بعمل نیامد اما بعدها این امتیاز طرف توجه قرار گرفت و سرمایه آن فراهم آمد ولی یکسال نگذشت آن نیز گرفتار مخالفت های ملت ایران گردید و استعمال دخانیات در تمام

ایران از طرف علماء تحریم شد و بطرطوری مشکل شد که در ژانویه سال ۱۸۹۲ میلادی برابر ۱۳۰۹ هجری قمری شاه ناچار شد آنرا لغو کند. (۱)

از جمله امتیازی که در سال ۱۳۰۷-۱۸۸۹ داده شده یکی هم امتیاز راه شسته طهران تا اهواز بود.

در این موضوع لرد فوق الذکر مینویسد: «این راه که از دیر زمان در نظر بود و نقشه آن قبلاً تهیه شده بود حال صورت عمل بخود گرفت بانك شاهنشاهی ایران ساختمان آنرا عهده دار شد که از راه قهسلطان آباد- بروجرد و خرم آباد- طهران باهواز مربوط بشود امتیاز این راهرا برای شصت سال بمشیرالدوله دادند (یحیی خان) و او نیز این امتیاز را بانگلیسها واگذار نمود یعنی بانك شاهنشاهی از ایشان خریداری کرد و مهندسین بانك آن را باز دید نمودند و حالیه عملیات از طرف مأمورین بانك گذاشته شده میسازند و دور نیست که عنقریب يك سندیکای تشکیل شده انعام آنرا بعهده بگیرد و اهمیت و مفید بودن آن مدتها است طرف توجه شده است و یکی از فوائد آن اینست که خلیج فارس را بشهرهای غربی ایران نزدیک میکند و انتظار میرود پس از دایر شدن آن وسایل رساندن مالالتجاره انگلیس و هندوستان بداخله ایران سهل تر خواهد گردید. (۲)

شاید بعدها فرصت کرده راجع بامتیازاتی که در این تاریخ بخارجه ها داده شده بیشتر صحبت بکنم فعلاً تا این حد کافی است که خواننده را متوجه بکند باینکه بعد از آمدن شاه از فرنگ امتیازات زیادی باجانب داده شد گویا شاه و صدراعظم ایران چنین نتیجه گرفته بود که فقط ازدادن امتیازات بخارجه میتوان سرمایه خوبی از آنها بدست آورد و خزانه خالی دولت ایران از طلا مملو گردد و اسباب تفریح در خارج و اسباب سفر فرنگستان بسهولت فراهم آید. این عمل شاه و صدراعظم مقدمه خرابی مملکت ایران بود و نشان میدهد تا چه اندازه شاه و صدراعظم عدم علاقه نسبت بمملکت نشان میدادند و فکر دیگری سوای پیدا کردن پول نداشتند و نمیدانستند که از طریق دیگر هم ممکن بود منابع ثروت ایران را بکار انداخت و نگذاشت این منابع بدست

(۱) گردن جلد اول صفحه ۴۸۵ در این باب در فصل آینده بیشتر توضیح خواهم داد.

(۲) گردن صفحه ۴۸۹

اجانب بیفتد اینها دیگر این نظریات را نداشتند دیا و مملکت ایران را فقط برای تفریح و خوشگذرانی خودشان لازم داشتند و بس .

در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه نه تنها شخص پادشاه و صدراعظم بلکه سایر درباریان و مستخدمین دولت و اشخاص صاحب مکتب نیز بفکر افتاده اجانب را برای استفاده در هر موضوع دخالت میدادند حتی صاحبان مقرری و مستعمری بگیرها . چندی قبل کاغذی دیدم که در شماره ۵۳ سال هفتم روزنامه تاهید در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۰۶ شمسی درج شده بود این مراسله را میرزا عباسخان قوام الدوله که وزیر امور خارجه ایران بود در همین تاریخ که من از آن صحبت میکنم بشاه را پرت میدهد در آنجا مینویسد (۱): البته در نظر مبارک است که کلفندی بسفراء نوشتیم که از رعایای ایران احدی اذن ندارد املاک و قنوات و معادن ملکی و متصرفی خودش را بتمعه دول خارجه بیبیع قطعی بفروشد و یا بیع شرط بکزارد و یا اجازه بدهد و نیز اذن ندارد که بروات مواجب و شهریه خودش را در عوض طلب تمعه دولت خارجه بدهد و نیز نوکر بآب اذن ندارد که با تمعه خارجه نسیه کزری نماید آنکه روس است بتوسط مترجم خودشان اقدام و پیغام داده بود که مناسب این بود که بنویسد هرچه قبل از این قانون قرارداد کرده اند وثیقه است باید مجری و احقاق حق شود و نیز يك بدتی مثلا دو ماه یا ۳ ماه وقت و مدت قرار بدهید که ما بهمه قونسول ها و تمعه و تجار خودمان که در بلاد آنز بایمان و خراسان میباشند اطلاع بدهیم که من بعد این طورها باید رفتار نمایند بآنها جواب دادم که البته هرچه قبل از این تاریخ بوده است بحالت سابق باقی و برقرار و باید موافق قرار داد و اسناد قطع و فصل شود و مهلت دو ماه و سه ماه را هم مضایقه بداریم و فوراً باید سفارت بهمه جا اعلام نماید و نیز مذکور نمود که این کار عمده و اهمیت کلی دارد باید به پترزبورغ نوشته شود و جواب از آنجا برسد که بتوانم جواب صریح آرا بدولت ایران بنویسم و فوراً به پترزبورغ نوشتیم .

آنکه انگلیس است که دیروز ولف (سر هنری درومندولف) بیان میکرد و میگفت

(۱) این مراسله بابت در سال ۱۳۰۸-۱۸۹۱ نوشته شده باشد چونکه سردرومندولف

در سال ۱۸۹۰ از ایران رفت و جای او را لاسلن گرفت این هنگامی است که عدم رضایت از امتیاز انحصار رژی تولید شده است .

عهدنامه میان دولت ایران و روس میباشد و عهد نامجات سایر دول تکیه آنها بعهدنامه روس است قطع نظر از عهدنامه از چهل پنجاه سال قبل از این قرار و قاعده قیمین رعایای ایران و رعایای خارجه بوده است که آن قرارها حکم عهدنامه را دارد و نمیتوان آن قرارنامه ها و رسوم را متروک کرد و مأمورین دول خارجه را بسدا بیرون آورد که متفقا کفخذ رسمی بنویسند و اعلان وزارت جنگ را باطل نمایند. این غلام بمسیوولف اظهار نمود که شما چه افتاده است که قبل از همه بمقام این اظهارات بر آمدهاید از سفارت روس که با ما عهد نامه دارد و همه دول هم عهد تکیه عهدنامهجا. نشان عهدنامه روس است که این قبیل اظهارات را هنوز نکرده است گفت ما و دول سایر باید خود ما را منتظر اظهارات روس نمائیم عهد نامه دولت روس ماخذ عهد نامجات ما ها است اگر دولت روس صلاح کار خودش را در عدم اظهار بداند ما ها که نباید تابع او باشیم.

فهمیدم که بر این مرد خیلی اثر کرده است که تا من و سایر تجار انگلیس از تصاحب و تمالک خاک ایران و محتاج کردن نوکریاب را بخودشان مأیوس شده اند باو گفتم ما بخلاف عهد نامه کاری نکرده ایم اگر شما با وزراء مختار سایر دول حرفی دارید رسماً بنویسید اگر جواب رسمی داریم مینویسیم والا تصدیق بیانات شما را خواهیم کرد.

باین غلام خبر دادند کهOLF سفارت روس رفته و زیاد در فقره این اعلام گفتگو کرده و اصرار در همراهی دولقارکی در این قرارداد کرده است و دولقارکی همراهی با خیالات او نکرده است و نباید هم بکند زیرا که او بتوسط مترجم خودش این راهنمایی را بجا کرد و ما اینا باظهار معرمانه او اقدام باین کار کردیم بعد از گفتگوی زیاد بOLF گفتم شما رجوع کنید بعهدنامه منتهم رجوع خواهیم کرد اگر خلاف عهدنامه شده باشد مدارک آن آسان است گفت من خیر خواه دولت ایرانم میل ندارم این منجر بایرادات سفره و سؤال و جواب ما بشود بهتر این است که اقدام بترك آن بشود زیاده عرضی ندارد الامر الاقدس مطاع.

این مراسله میرساند مناسبات سیاسی ایران بادول در اواخر سلطنت ناصرالدین

شاه و اباضاع دربار و مردم چگونه بوده و قدرت نفوذ اجانب بجه پایه رسیده بوده است که هر گس کاری داشت میبایست توسط عمال خارجی یا بنام آنها انجام دهد حتی وصول مواجب و مستمری دیوانی درباریان نیز توسط عمال اجانب قطع و فصل شود .

فصل پنجاه و نهم

امتیاز رژی یا انحصار تنباکو و توتون

کسانیکه در این موضوع مطالبی نوشته اند - لرد گرزن - مرحوم ناظم الاسلام کرمانی - پرافسور ادوارد برتون - دکتر فوریه فرانسوی طبیب مخصوص ناصرالدین شاه - تنباکو در دوره سلاطین صفوی - سیاحان که بایران آمده اند - عکسهای اروپائی باقلیان - گرزن گوید امتیاز تنباکو که بکمپانی انگلیس داده شد - مواد ۱۵ گانه امتیاز - هازور تالبوت - مذاکره آن در لندن - حکم تحریم امتیاز - میرزای آشتیانی - هیجان سکنه تهران - نایب السلطنه کامران میرزا - آقا بالاخان معین نظام - شلیک تفنگ در آرك - عده کشته و زخمی - عضدالملک و میرزاعیسی وزیر در حضور میرزای شیرازی - الفای امتیاز و خسارت کمپانی - نامه میرزاعلی اصغر خان اتابک به میرزای آشتیانی - فصل دوم کتاب تاریخ انقلاب ایران - برتون و امتیاز رژی - اشاره به مسافرت های ناصرالدین شاه باروپا - اشاره بامتیازاتی که میرزا حسین خان سپهسالار داده - اشاره بامتیاز لاتار که در دست ملکم بود - امتیازهای دیگر - توضیحات بیشتری که پرافسور برتون مینهد - روزنامه باسم قانون ملکم - روزنامه اختر

چاپ استانبول- کتابچی خان- انحصار تنباکوی دولت عثمانی- کتاب
 دکتر فوزیه طبیب مخصوص ناصرالدین شاه - موضوع امتیاز انحصار
 تنباکودر کتاب دکتر فوزیه - اقدامات اتابک اشاره بنامه حاجی میرزا
 حسن شیرازی- دکتر فوزیه توضیحات بیشتری میدهد - یادداشت‌های
 روزانه دکتر فوزیه - اشاره بر رفتن امین‌السلطان پیش وزیر مختار روس-
 قول صریح وزیر مختار - پانصد هزار لیره خجارت کمپانی - موضوع
 در پارلمان انگلیس - اعلامیه ۴۱ ماه مای ۱۸۹۴ برای قرضه ایران -
 توضیحات بیشتری راجع بدادن امتیاز رژی - اشاره بر ساله اعتماد
 السلطنه در باب تنباکو و توتون که در سال ۱۳۰۴ هجری قمری نوشته
 شده - اشاره بمندرجات آن.

امتیاز رژی یا انحصار تنباکو و توتون

- موضوع امتیاز رژی یا انحصار تنباکو و توتون را ۴ نفر بطور روشن نوشته‌اند
- (۱) لرد گورن که تازه از مسافرت با ایران بلندن مراجعت نموده بود و مشغول
 نوشتن دو جلد کتاب معروف خود بود که موسوم است به «ایران و مسئله ایران»
 (۲) مرحوم ناظم‌الاسلام کرمانی در کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» که بطور
 مشروح از آن امتیاز صحبت میکند .
 (۳) دکتر فوزیه فرانسوی طبیب مخصوص ناصرالدین شاه یادداشت‌های او موسوم به
 «سه سال در دربار ایران» (۱)
 (۴) پروفیسور ادوارد برون در کتاب خود موسوم به «تاریخ انقلاب ایران» که
 در تاریخ ۱۹۰۹ میلادی برابر ۱۳۲۷ هجری قمری در لندن بطبع رساید .
 اینک بهر چهار آن مأخذ مراجعه نموده داستان این امتیاز «انحصار تنباکو»
 را مینگارم.
- تنباکوی ایران از دوره سلاطین صفویه معروف جهان بوده چه تمام سیاحانی

که بایران آمده یا از ایران عبور نمودمانند از تنباکوی ایران تعریف کرده‌اند. خواه بمیل خودشان خواه حس مهمان نوازی آنها را تشویق نموده که چند نسی بقلیان ایران بزنند.

در قرن گذشته یگانه عکسی که از سرفردريك كلداسمید در ایران باقی مانده عکسی است که هنگام اجرای مأموریت خود در سیستان در حال کشیدن قلیان در مجلس مهمانی امیر علم خان که بیادگار گذاشته است.

عکس دیگر از مستر مووی معروف است که در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه در سر موضوع هرات آن بهانه جوئی‌ها را نموده و از ایران عزیمت نمود و جنگ جنوب در خلیج فارس با انگلیسها پیش آمد عکسی است که در کتاب سر آرنولد ویلسن موسوم به خلیج فارس نقل شده است او نیز مانند جنرال كلداسمید مشغول کشیدن قلیان است (۱)

قلیان ایران بواسطه این نوع انتشارات در تمام دنیا معروف گشته مخصوصاً بوسیله ملت عثمانی که در قلیان کشیدن افراط نموده است در تمام آسیا یگانه اسباب تفریح ملل مسلمان کشیدن قلیان بوده و در هر حال تنباکوی ایران معروفیت بسزا داشته امروز نیز با بهترین تنباکوی دنیا از هر حیث برابری میکند.

لرد گرزون در کتاب معروف خود راجع بامتیاز تنباکو چنین مینویسد:

« مقدار تنباکو که سالانه در خود ایران مصرف میشود بر حسب تخمین آقای کناچی رئیس گمرکات ایران در حدود هیجده میلیون من یا قریب پنجاه و دو هزار دو بیست و سی تن میباشد این به نظر قبوری اغراق می‌آید از این میزان در حدود يك میلیون و پانصد هزار من یا چهار هزار و شصت و پنجاه تن بغداد - بیروت - قاهره - عربستان هندوستان و افغانستان حمل میشود يك نوع دیگر از این جنس که درجه دوم محسوب میشود و به تنباکوی مملکت عثمانی شباهت دارد در کردستان نزدیک ارومیه بعمل می‌آید هر گاه در تربیت و زراعت آن دقت‌های صحیح بشود رقیب بزرگی برای تنباکوی مملکت عثمانی خواهد بود.

(۱) کتاب معروف پرافسوس برود و موسوم به یکسال در میان ایرانیان که در موضوع قلیان

غلط کرده است لرد گرزون نیز از قلیان ایران تعریف بسزا میکند ص ۴۹۸ جلد دوم.

امتیاز تنباکوی ایران در پانز سال ۱۳۰۸ - ۱۸۹۰ از طرف شهریار ایران برای مدت پنجاه سال بیک کمپانی موسوم به شرکت تنباکوی دولتی ایران^(۱) واگذار گردید و بیک سرمایه بمبلغ ششصد و پنجاه هزار لیره انگلیسی تهیه شد تا شرایط این امتیاز بموقع اجرا گذاشته شد و در ژانویه ۱۲۹۲ - ۱۳۰۹ در اثر مخالفت‌های عمومی ملت ایران که با مهارت تمام از طرف علماء مذهبی ایران تهیه شده بود شاه مجبور شد آنرا لغو کند.^(۲)

این امتیاز در سال ۱۳۰۸ هجری قمری مطابق ۱۸۹۰ میلادی به هازور تالبوت^(۳) و شرکاء او از طرف ناصرالدین شاه داده شد سواد این امتیاز در تاریخ بیداری ایرانیان که مرحوم ناظم الاسلام کرمانی نوشته درج شده است در مقدمه این امتیاز مینویسد: صورت فرمان امتیاز تنباکو و توتون منوچل خرید و فروش و ساختن در داخل یا خارج کل توتون و تنباکوئی که در ممالک محروسه بعمل آورده میشود تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضاء این احوال نامه به هازور تالبوت و شرکاء خودشان مشروط بشروط ذیل مرحمت و واگذار فرمودیم:

فصل اول - صاحبان این امتیاز نامه همه ساله مبلغ پانزده هزار لیره انگلیسی بخزانه عامه اعلی کلر سازی خواهند نمود اعم از اینکه از این کار نفع ببرند یا ضرر این پول هر ساله در پنج ماه از سال گذشته پرداخت میشود.

فصل دوم - فقط محض تعیین مقدار تنباکو و توتون که در ممالک محروسه بعمل آورده میشود صاحبان این امتیاز ثبت از زراعی که میخواهد عمل زراعت این امتیاز را بکنند نگاه خواهند داشت و دولت علیه بحکم محلیه امر اکیندی خواهد فرمود که زارعین تنباکو و توتون را ثبت نمایند و از اجازت نامچه از برای فروش و معامله و غیره توتون و تنباکو و سیکار و سیکارت و انقبیه و غیره حق خالص صاحبان این امتیاز است و احدی جز صاحبان این امتیاز نامه حق صدور اجازت نامجات مزبوره ندارند و نخواهند داشت

[1] Imperial Tobacco Corporation of persia

(۲) کتاب لرد گرنز جلد دوم ص ۴۹۹

[3] Talbot

اصناف توتون و تنباکو فروش که مشغول این حرفتند در کسب و معاملات داخله خود برقرار خواهند بود مشروط بدانستن اجازه نامه‌ها که دارند امتیاز خواهد داد.

فصل سوم - بعد از وضع جمیع مخارج متعلق باین عمل و تقسیم صدی پنج سرمایه خودشان بین صاحبان این امتیاز یکربیع منافع باقی مانده سال بسال تسلیم خزانه عامه اعلی خواهد نمود دولت ایران حق واریسی بنفای هر ساله آنها خواهد داشت.

فصل چهارم - جمیع اسباب کارخانه و ملزومات این کار که صاحبان این امتیاز داخل ممالک محروسه می آورند از جمیع عوارضات گمرکی و غیره آزاد خواهد بود.

فصل پنجم - حمل و نقل توتون و تنباکو در ممالک محروسه بلا اجازه صاحبان امتیاز ممنوعست مگر آنچه که مسافرین برای استعمال یومیه خودشان همراه داشته باشند.

فصل ششم - صاحبان این امتیاز باید جمیع توتون و تنباکوئی که در ممالک محروسه بعمل آورده میشود ایتیاع و در عوض آن وجه نقد کارسازی نمایند تا آن درجه که قابل استعمال باشد باید تمام تنباکو و غیره‌ها که فعلا موجود است ایتیاع نمایند قیمت که باید بعمل آورنده یا مالک داده شود در ستانه بین عمل آورنده و صاحبان این امتیاز قرار خواهد شد ولی در صورت عدم رضایت طرفین بحاکمیت مرضی الطرفین رجوع خواهد شد و حکم قطعی مجرا خواهد شد.

فصل هفتم - دولت علیه متقبل میشود که بهیچوجه علاوه و اضافه بر مالیات و عوارضات و رسوم گمرک حالیه درباره توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفی تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این امتیاز نامه ننمایند همچنین دارند امتیاز و شرای او متعهدند که تمام رسوهای را که بالفعل از تنباکو عاید دولت علیه ایران میشود کماکان عاید گردد.

فصل هشتم - هر کس یا کسانی که بنخواهند از این فصل گریزی اختیار نمایند مورد سیاست و مجازات دولت خواهند شد و هر کس با کسانی که در پیش آنها خفیه تنباکو و توتون و غیره بجهت فروش این معامله پیدا بشود نیز بجریمه و سیاست سخت دولت گرفتار خواهند شد دولت علیه حمایت و تقویت صریح هر چه تمامتر خود را در

باره جمیع عمال صاحبان این امتیاز سرعی خواهند نمود و صاحبان این امتیاز تعهد مینمایند که بهیچوجه از حقوق خود موافق این امتیازنامه تجاوز ننمایند.

فصل نهم - صاحبان این امتیاز مختار خواهند بود تمام حقوق امتیازات و یا تعهدات و غیره خود را بهرکس یا کسانیکه میل دارند منتقل نمایند ولی قبل از وقت باولیای دولت اطلاع خواهند داد.

فصل دهم - عمل آوردن یا مالک توتون و تنباکو هر وقت توتون یا تنباکوی خود را حاصل نمود باید خود بنزدیکترین وکیل صاحبان این امتیاز اطلاع بدهد که حاصل ایشان بچه مقدار است تا اینکه صاحبان این امتیازنامه بتوانند تعهدات مقرره فوقرا در فصل ششم بموقع اجرا گذارند و آنرا بزودی اتیاع نمایند.

فصل یازدهم - صاحبان این امتیاز حق نخواهند داشت اراضی اتیاع نمایند مگر باندازه لزوم اجرائی این امتیازنامه بجهت اتیاع مورد لزوم.

فصل دوازدهم - زارعین بر طبق تفصیل شروطی که از جانب صاحبان این امتیاز بهمراهی دولت مقرر میشود و محقق میباشد که باندازه معین برای حاصل خود پیشگی بآنها مبلغی داده شود.

فصل سیزدهم - اگر از تاریخ اعضاء این امتیازنامه تا انقضاء مدت یکسال کمپانی برای اجرای آن تشکیل نشود و شروع بکار نشود این امتیاز نامه از درجه اعتبار ساقط و باطل خواهد شد مگر اینکه جنگ یا امثال آن که مانع تشکیل کمپانی باشد واقع شود.

فصل چهاردهم - در صورت وقوع اختلاف مابین دولت علیه ایران و ماژور تالپوت و صاحبان امتیاز آن اختلاف روی دهد رجوع بحکمت مرضی الطرفین خواهد شد و در صورت عدم امکان رضایت طرفین موضوع اختلاف را رجوع بحکمت قطعی حکمی به تعیین یکی از نمایندگان دولت اتازونی یا آلبان یا اطریش مقیم طهران خواهد شد.

فصل پانزدهم - این امتیازنامه بدو نسخه مابین دولت علیه ایران و ماژور تالپوت نوشته شده بایست بامضای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و ثبت وزارت امور خارجه شده

مضمون فارسی آن محل اعتبار خواهد بود .

تاریخ ۸ مارس ۱۸۹۰ مطابق ۲۷ رجب ۱۳۰۸ (۱)

این بود سواد امتیاز انحصار دخانیات که در تاریخ ۱۳۰۸ - ۱۸۱۰ بمآزور نالیوت داده شده هم نویسنده تاریخ بیداری ایرانیان وهم پرفسور بیرون در تاریخ انقلاب ایران هر دو اشاره می کنند که مذاکره این امتیاز هنگامیکه شاه در لندن بوده بمیان آمده و قرارداد آن در همان تاریخ باتمام رسیدن و طرفین در شرایط و فصول آن موافقت نمودم اند منتهی گذاشته بودند بعد از مراجعت شاه که بمقر سلطنت رسیده و سروصداها خوابیده آنوقت علنی کنند حتی خود میرزا علی اصغر خان امین السلطان نیز در مراسله که بمرحوم میرزای شیرازی نوشته باین موضوع اشاره میکند. من در جای خود مضمون آن مراسله را نقل خواهم نمود.

ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان مینویسد : در سنه ۱۳۰۹ (۲)

هجری قمری کمپانی رژی امتیاز دخانیات را از ناصرالدین شاه گرفت که بیع و شرای دخانیات منحصر بیک اداره باشد و بعضی چند کرور بشاه و درباریها داد و بیهمه بلاد ایران گماشتگان فرستاده و اداره خود را دایر نمود و حتی در قراء و دهات کس فرستاده و بمردم سخت گرفتند بزرگان ایران از علماء و غیرهم بر معایب و وخامت این عمل واقف شدند که امروز دخانیات محدود شده فردا تمک و روز دیگر هیزم و ذغال و آب و غیره و بازای آن مبالغی گرفته خواهد شد و صرف آبادی مملکت نخواهد شد یا تفاوت مواجب فلان شاهزاده است یا مدد معاش فلان آقا زاده یا خرج مسافرت فرنگ یا نیاز خان قشنگ در هر حال مملکت و ملت متضرر شده است نفع را خارجه برده بر مملکت هم مسلط و نفوذ تامی حاصل خواهند کرد. جمعی از عقلا خدمت مرحوم حاج میرزا حسن مجتهد آشتیانی رسیده معایب متضمنه دستوره این کار را عرضه داشتند وهم

(۱) نقل از تاریخ بیداری ایرانیان تألیف ناظم الاسلام کرمانی جلد اول صفحه ۶۱

(۲) این امتیاز در ۱۳۰۸ نوشته شد این نیز بنظر اشعیا می آید باید در اواسط یا

اواخر سال ۱۳۰۷ باشد چه تاریخ انگلیسی آن اوایل مارس ۱۸۹۰ میباشد این نیز مطابق با اواسط سال ۱۳۰۷ است.

یعلماء اصفهان ضرر و عاقبت امتیاز و تنایج هترقبه بر آنرا نوشتند لذا مرحوم میرزای آشتیانی حکم بحرمت استعمال دخانیات کرده و حکمی باین عبارت نوشته و نسبت آنرا بمرحوم «میرزا حسن شیرازی» دادند و منتشر ساختند.

مورث حکم بحرمت دخانیات ... بسم الله الرحمن الرحيم - الیوم استعمال تنباکو و نوتون بای نحوکل در حکم محاربه با امام زمانست عجل الله فرجه».

مورخ فوق الذکر مینویسد: «این حکم در تمام بلاد ایران منتشر شد و همه اطاعت کردند».

چون حال بدینمنوال گذشت کمپانی بتوسط میرزا عباس قوام الدوله وزیر امور خارجه شکایت بناصرالدین شاه برد شاه عبدالله خان والی را خدمت میرزای آشتیانی فرستاد که ما باید درملاء عام قلیان بکشید و با از ایران خارج شویند مرحوم میرزاشق اخیر را قبول فرمود و عازم بحرکت شده که اهالی طهران ازاعلی و ادنی زن و مرد بهیچان آمده زلزله درارکلن شهر افتاد بفاصله یکساعت تمام دکاکین و سراها بسته و تعطیل عمومی شد. (ص ۱۷)

مجدداً میرزا عیسی وزیر و عبدالله خان والی و مجدالدوله خدمت میرزای آشتیانی رسیده عرض کردند شاه فرموده است امتیاز داخله ایرانرا موقوف کردیم که در داخله ایران اهالی آزاد باشند و خرید و فروش منحصر نباشد لیکن امتیاز خارجه با کمپانی است از مندیبت یا دولت منصرف شوید و درملاء عام قلیان بکشید جناب حجت الاسلام فرمودند خلاف حکمرا نمی توان نمود...»

مینویسد در این مجلس بنمایندگان شاه خوب نگذشت و آنها را با خشونت بیرون کردند آنها هم بزحمت از پیش علماء خارج شدند. بدروازه ارك که رسیدند نایب السلطنه کامران میرزا با جمعی از اهل نظام بمجدالدوله برخوردند ... مردم فریاد کنان بطرف نایب السلطنه حمله بردند... نایب السلطنه که این حالرا دید وارد ارك شد حکم داد که درب ارك را به بندند... مردم هجوم آورده که وارد ارك شوند آقا بالیخان معین نظام که این اواخر سردار افخمی ملقب شده بود چون حالدا بدین منوال دید حکم داد سرباز شلیک نماید سرباز اطاعت او را نمود که در این اثنا يك

دسته از فوج مخصوص اورسید با آنها حکیم شلیک داد آنها هم بدون ملاحظه اطاعت او را نموده بطرف هوا شلیک نمودند چند نفر از آنها غفنگها را بطرف مردم گرفته شلیک کردند گروهی از مردم بیطرف بخاک افتاد باقی مردم فرار نمودند دولتیها درهای ارك را بستند و نعشها را در ارك پنهان کردند جز چند نفر که در حال فرار خارج ارك افتادند آنها را ملت بر داشتند آمدند در ب خاتمه میرزای آشتیانی همچنان مردم زیادتر شد در این بین نایب السلطنه واقعه را بشاه عرض کرد شاه **عضد الملک** و مرحوم میرزا **عقیمی** وزیر طمیران را خدمت مرحوم میرزا فرستاد که از حرکت و مسافرت منصرف شوید مجلسی در دربار منعقد کنید عقلاء ملت با وزراء دولت در اصلاح این امر مشاورت نمایند . . مردم متفرق شدند روز دیگر بازارها باز شد و مجلس دربار منعقد گردید پس از مذاکرات بسیار در چند مجلس نتیجه این شد که امتیاز مرتفع شد و شش کروزی تومان خسارت کمپانی را دولت قبول کرد و این اول قرضی بود که دولت ایران بخارجه مدیون شد.

از علماء طهران آقا سید عبدالله بهبهانی تبعیت میرزای آشتیانی را ننمود . . .
ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان تمام مکاتبات شاه با علماء و جواب این مکاتبات بشاه و سایر تلگرافات تمام را بدقت جمع آوری نموده و در جلد اول کتاب خود نوشته است هر گاه کسی آنها را بدقت مطالعه کند بروحیات شاه و درباریان آن زمان بخوبی واقف خواهد گشت.

مورخ مزبور در چند صفحه از جلد اول تاریخ خود راجع باین موضوع صحبت می کند و اسناد تاریخی مربوط باین موضوع را شرح میدهد من فقط بیک مراسله از آنها که میرزا علی اسفرخان امین السلطان بمرحوم میرزای شیرازی نوشته است اشاره می کنم این است سواد آن مراسله :

« ملاذاتاً ما حاجة الاسلاما قبله گاهما . . چون این مسئله اعطاء امتیاز تجاریت
دخانیات بکمپانی در اقطار و ازهان محل بعضی شبهات گردیده و حقیقت آن در پرده
خفا مانده است و این بنده لازم شمرده سبب اقدام و ارتفاع وجهه الغاء و ارفاع آن من
البدوالی الختم بطریق ایجاز کما هو الواقع باطلاع خاطر شریعت مظهر جناب مستطاب

عالی دامت افضاله برسانم که از بادی و خاتمه آن مستحضر شده بالکلیه کشف عطاء از این مسئله بشود لهذا بتصدیق میپردازد. چون در ایامی که مرحوم میرزا حسینخان مشیرالدوله بخدمت صدارت در این دولت جاوید مدت مقتخر بود با کمپانی انگلیس قرارنامه تمدید راه آهن را از بسوسهر تا گیلان منعقد ساخت^(۱) و قرارنامه مزبور بقدری متضمن خطرات دولتی و ملتی بود که علاوه بر ناملهای حقوق دولتی تمام حدود ملکی و ملتی هباء منشورا محدود بود همان اوقات ذات کامل الصفات اعلی حضرت قوی شوکت اقدس همایون ظل الله روحنا فداء خطرات مزبوره را بنظر دقت ملاحظه و خود آن مرحوم را بالغاء آن قرارنامه مکلف و محکوم فرمودند هر قدر با کمپانی مزبور و دولت انگلیس مذاکره کرد مقصود حاصل نگردید و بر اصرار آنها افزود تا مشارالیه مرحوم شد بعد از آن نیز تا مسافرت اخیر همایون بفرنگستان این مسئله بحالت اولیه باقی بود که تقریباً چهارده سال طول کشید و بر قوام ادعای کمپانی و مخاطرات آن افزوده بود در آن سفر بازحمات و تدابیر و مشمول تفضلات خدایوندی آن قرارنامه مشثومه لغو و این امتیاز تجارت و دخایات کسد آنوقت همچو مینمود که بهیچوجه ضرری برای دولت و ملت ندارد برقرار شد و از آن مخاطرات عظیمه آسودگی حاصل آمد بعد از اقدام با اجرای فصول این قرارنامه متدرجاً معایب و مضار مخفی این امتیاز نیز بظهور رسید پیوسته زراع و تجار و رعایای دولت علیه بمقام عرض و اظهار مضار مزبوره آمدند نظر باینکه ذات ملکوتی صفات همایون رعایت رعایای دولت ابد بنیاد را که و دایع محترمه رب العباد میباشد همواره بر عهده شاهنشاهانه خود فرض می شمارند از فوائد این کار بکلی صرف نظر و با معناء آن عن الاصل امر و مقرر فرمودند مخلص نیز باکمال شغف بالجنان و الارکان مشغول اجراء این اراده مطاعه مبارکه بود که در آن بین از لطایف غیبیه فقره احترام از شرب بخان الهام و مقوی اصل مقصود محمود همایونی گردید شوق و جهد بنده تیز در النفا و امحاء این امتیاز بهزار چندان کشیده خالصاً مخلصاً کوشیده تا بحمدالله تعالی بکلی محو و کلن نم یکن شیثامذکور باشد و عموم رعایا

(۱) اشاره بمناوبه و قرارداد یارون جولوس روئراست که سپهسالار در سال ۱۲۸۹

۱۸۷۲ منعقد نموده و سال بعد آن شاهر را بلندن برد در فصل جهل و سوم مشروحاً بیان شده است

و برایا و تجار و زراع آسوده و آزاد شدند و الان وجهاً من الوجوه ولو بقدر الذره احدی از خارجه مداخله در زراعت و بیع و شری و تجارت و حمل و نقل و انتقالات دخایات ندارد و عاملهائی که در ولایات داشته برداشتند برخی هم مشغولند که محاسبات خود را با مردم پرداخته بروند بعضی اخراج شده عنقریب حوزه ایران از وجود آنها خالی و مغلّی میشود.

منتهی اینست که دولت علیه خسارت وارده بر آنها و مخارج را که کرده اند محض رفاه رعیت و اجراء حمایت ملت و ترویج شریعت از محل دیگر که ضرری بر احدی نخواهد داشت بمرور خواهد داد.^(۱)

نویسنده تاریخ بیداری ایرانیان موضوع رژی را در اینجا ختم میکند اینک بقسمتهای مهم این موضوع که پرافسور برون در کتاب خود موسوم بتاریخ انقلاب ایران است شرح داده بطور خلاصه اشاره میکنم:

پرافسور برون فصل دوم کتاب خود را وقف موضوع امتیاز تنباکو نموده اطلاعات بس زیادتری در این باب مینویسد: «این بدبختی های ایران سالهای اخیر سلطنت ناصرالدین شاه را تیره نمود و بالاخره هم باعث فنای او گردید و کار او را ساخت و این بدبختیها در حقیقت از روزی شروع میشود که امتیاز انحصار تنباکو بیک کمپانی انگلیسی داده شد و آن در ۸ ماه مارس ۱۸۹۰ بوده (اگر تاریخ فارسی آن صحیح باشد طوری که در تاریخ بیداری ایرانیان نوشته شده ۱۸ رجب ۱۳۰۸)^(۲)

تا حال سه مرتبه شهریار ایران بارو با مسافرت نموده سفر اول در سال ۱۲۹۰ - ۱۸۷۳ سفر دوم در سال ۱۲۹۵ - ۱۸۷۸ سفر سوم در سال ۱۳۰۶ - ۱۸۸۹ تا این تاریخ مسافرت های شاه مخارج زیاد داشته در صورتیکه فایده از آنها مترتب نشده و بحال ملت ایران مفید نبوده است بعلاوه سفر اخیر شاه یک سفر خوب و خوش یمن نبود قبل از اینکه شاه از طهران حرکت کند امتیاز بانک شاهی را بیارون جولوس روپتر داد.

در این امتیاز علاوه بر مسائل بانکی معادن ایران نیز بیارون فوق الذکر واگذار

(۱) قاعدتاً باید در رجب ۱۳۰۷ یا شاید چه سال ۱۳۰۸ قمری در ۱۷ اوت ۱۸۹۰ شروع میشود.

(۲) تاریخ بیداری ایرانیان جلد اول صفحه ۷۱.

نمود يك ماه بعد وزير مختار روس پرنس دالقروركي سندی از شاه دریافت کرد که در آن سند تعهد شده بود هیچ گونه امتیاز راه آهن ایران تا مدت پنج سال بکسی داده نشود علاوه بر اینها يك نفر از اتباع ایران امتیاز لاتار واگذار نمودن نتوانستم ماهیت صاحب این امتیاز را بشناسم و این امتیاز يك سندیکای انگلیسی بمبلغ چهل هزار لیره فروخته شد ولی طولی نکشید که آنرا نقض نمودند و چهل هزار لیره سندیکای مزبور از بین رفت و این پیش آمد باعث شد که از اعتبار دولت ایران در بورس لندن کاسته شد البته این مسئله تاحدی از نقطه نظر ایرانیها خیلی بموقع بود چونکه دارا بودن اعتبار در بورس چندان چیز مطلوبی نیست.

کیفیات این امتیازات و چگونه آنها را بدست آوردند مخصوصاً امتیاز لاتار هنوز هم برای من مجهول است ولی يك موضوع بخصوص راجع بامتیاز لاتار پیش آمده که تا اندازه ای باین امتیاز اهمیت داد و آن نزاعی بود که بین شاه و پرنس ملکم خان تولید گردید.

میرزا ملکم خان از سال ۱۲۸۹-۱۸۷۲ وزیر مختار ایران مقیم لندن بوده و در نتیجه همین نزاع ملکم از تاریخ نوامبر ۱۸۸۹ معزول گردید و میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه بجای او انتخاب و فرستاده شد.

در ۱۶ ماه مارس ۱۸۹۱ در طیمس لندن عزل ملکم خان انتشار یافت میرزا ملکم خان نیز در ۲۰ همان ماه و سال يك جواب با حرارتی بدولت ایران داد و در همان روزنامه درج گردید.

علاءالسلطنه نیز تا سال ۱۳۲۷-۱۹۱۰ در سمت خود باقی بود.

در ۲۵ اکتبر ۱۸۸۹ مطابق ۲۴ صفر ۱۳۰۷ شاه بطهران رسید و دو نفر را همراه خود داشت یکی از یاریس دیگری از شهر مونیخ بایتخت ممالک باواری شخص اولی دکتری بود فرانسوی موسوم به دکتر فوریه^(۱) که بعدها کتاب موسوم به سه سال در دربار ایران را نوشت^(۲) که اطلاعات این شخص تمام قضایا و اتفاقات آن زمان را

[1] Dr. Fenvrier

(۲) این کتاب در سال ۱۳۲۵ شمسی ترجمه شده است.

بخوبی روشن میکند شخص دیگر **سید جمال‌الدین اسد آبادی** معروف یافتنی بود که در آن تاریخ یکی از مؤسین ودعات اتحاد اسلام بشمار میرفت.

براقسور برون در دیپالنه همین مطالب مینویسد: «ماحال میرسیم بسال ۱۳۰۸- ۱۸۹۵ چنانکه قبلاً اشاره نمودم سالیکه بدبختی وخطر ایران شروع میشود و حال نیز همان خطر ایرانرا تهدید مینماید (۱۹۱۰)

دکتر فوریه که در فوق نام او گذشت در تاریخ ۱۳ اپریل مینویسد: در این تاریخ امتیاز روی امتیاز و پشت سر هم باجانب داده میشود بدون تردید بطولی نخواهد کشید که ایران تماماً بدست اجانب خواهد افتاد.» (۱)

برون علاوه نموده گوید: «بانک شاهنشاهی ایران شروع نمود بساختن یک راه عرادهو بین طهران و اهواز و امتیاز معادن را از دولت گرفته بود یک کمپانی تازه موسوم به شرکت معادن بین طهران و اهواز و امتیاز معادن این کمپانی چهار سال بعد از بدرفت خلاصه تمام این امتیازات در نتیجه سوء نیت اولیاء امور بدست اجانب افتاد و مقصود اصلی هم این بود که یک بولی فوراً بدست شاه و درباریان او برسد در صورتیکه این عمل بطور کلی ضرر ملت و مملکت تمام میشود که منابع ثروت مملکت را برای بندگان از دست میدادند و این موضوع را **میولورینی** (۲) در کتاب ذیقیمت خود که در سال ۱۹۰۵ در رم بطبع رسائیده است بخوبی شرح میدهد و در این تاریخ در نتیجه واگذاری امتیاز تنباکو بود که منجر بشورش عمومی گردید من اینک شرح آن میپردازم.

این امتیاز در ۸ مارس ۱۸۹۵ در نتیجه مذاکرات قبل شاید در سال ۱۸۸۹ در آن زمان که شاه در اروپا بوده با متر جی اف تالبوت (۳) داده شد در این امتیاز انحصار زراعت و فروش و صدور تنباکورا برای پنجاه سال بشخص فوق الذکر واگذار نمودند در

[1] *Ce Concession en concession, la perse sera bientôt tout entiere entre les mains des etrangers.*

[2] *M. Iorini, la Persia Economica contemporanea e la sua questione monetaria* [Rome 1900]

[3] *Mr. C. F. Talbot*

عوض واگذاری این امتیاز سالیانه مبلغ پانزده هزار لیره بشاه یا بدولت ایران نقد بدهند بعلاوه يك چهارم از عایدات خرج دررفته و پس از دادن پنج صدم نفع بصاحبان سهام از باقیمانده بدولت ایران عاید دارند و سرمایه این کمپانی که بنام شرکت همایونی تنباکوی ایران معروف گردیده بمبلغ شصت و پنجاه هزار لیره معین نمودند. منافع هنگفتی که از این امتیاز انتظار میرفت عاید کمپانی گردد از اعلامیه کسه کمپانی مزبور تشریح شده است بخوبی ظاهر میشود این اعلامیه در سوم نوامبر ۱۸۹۰ منتشر شده و منافع سالیانه کمپانی را در آن اعلامیه نیم میلیون لیره (۵۰۰۰۰۰) تخمین نموده است و عایدات خالص که بکمپانی عاید خواهد گردید سالیانه در حدود (۳۷۱،۸۷۵) سیصد و هفتاد و یک هزار و هشتصد و هفتاد و پنج لیره پیش بینی نموده است.

کمپانی در آن اعلامیه علاوه نموده گوید: «نظر به تجربیاتی که از انحصار رژی مملکت عثمانی بدست آمده است چونکه انحصار توتون در عثمانی از سال ۱۸۸۴ شروع شده و پولیکه در مقابل این امتیاز بدولت ایران میدهیم کلیه ۱۵۰۰۰ لیره است در صورتیکه بدولت عثمانی بالغ بر ۶۳۰ هزار لیره پرداخت میشود مدت امتیاز انحصار ایران ۵۰ سال و مدت امتیاز عثمانی سی سال است در این صورت تجارت توتون ایران وقتیکه داخل عمل بشود بمراتب بهتر خواهد شد و دولت متعهد شده است که از کمپانی طرفداری نموده و از آن حمایت کند تا اینکه به تجارت خود رونق دهد زیرا که خود دولت ایران در این منافع شریک میباشد و هرگاه اختلافی بین دولت ایران و کمپانی پیش بیاید در صورتیکه موافقت بین آنها حاصل نشود حکمیت را یکی از نمایندگان دولت امریکا یا دولت آلمان یا دولت اطریش که در طهران مقیم هستند خواهند داد.» (۱)

پرافسور مینویسد: «این اعلامیه کمپانی که من این اطلاعات را از آن نقل میکنم بایک پیش بینی امید بخشی برای صاحبان امتیاز ۱۸۹۰ نوشته شده و آنرا از کتابچی تهیه نموده بود و خود را رئیس شرکت ایران معرفی مینمود.» (۲)

(۱) پروفسور پروت در این جا حاشیه رفته گوید ایردجانی بود که اهنور بافرانه و روس اتحادت کرده بودیم ص ۳۴.
 (۲) کتابچی بعداً کتابچی خان شد این شخص را ناصرالدین شاه در سفر دوم خود از استانبول بایران آورد شرح او بیاید.

پس از اینکه پرافسور برون مقداری از آن اعلامیه را نقل نموده خود علاوه کرده گوید: « حال دیگر همه کس خوشحال و امیدوار بودند منافع زیادی از این امتیاز خواهند برداشت .

امتیاز فوق الذکر در ۹ ماه های ۱۸۹۰ در سفارت انگلیس در طهران ثبت گردید و برای جمع آوری سرمایه آن در نوامبر همان سال دفتر باز شد و تمام کارها درست و صحیح گردید که در سال آینده شروع بعمل نمایند.»

در اینجا مورخ این وقایع حاشیه رفته داخل در موضوعات دیگر شده است. بیک قسمت از موضوع ادبی را پیش کشید مینویسد: این موضوع ادبی بدون تردید بعد از رضایت مردم ایران که نسبت بزیاد روی های شاه بر ضرورت ایران بود کم کم نمود آن این بود ملکم خان که پاشا و وزیر او کدورت پیدا کرده بود مخصوصاً با امین السلطان مخالفت می نمود شروع کرد با انتشار روزنامه قانون در لندن و نمره اول آن در ۳۰ فوریه ۱۸۹۰ منتشر گردید. برون در اینجا داخل شرح یک رشته از عملیات ملکم شد و قسمتی از مندرجات شماره های روزنامه قانون را ترجمه نموده نقل کرده است و از فلسفه آدویت میرزا ملکم خان شرحی مینویسد که نوشتن تمام یا قسمتی از آن باعث تطویل کلام است و خارج از موضوع فعلی است. برون مینویسد: «انتشار روزنامه قانون تا سلطنت مظفرالدین شاه هم ادامه داشت و آخرین نمره آن در سال ۱۳۱۳-۱۸۹۶ انتشار یافت. (۱)

بعد از شرح حال ملکم و مختصر اشاره باحوالات سید جمال الدین مجدداً بموضوع امتیاز تنباکو اشاره نموده گوید: «من توسط یکی از عمال معتبر این کمپانی دعوت شده بودم رفته در لندن او را ملاقات کنم همینکه از کامبریج حرکت نمودم روزنامه اختر را که در استانبول چاپ میشد و آنرا آهونه بودم رسیدن تاریخ آن ۱۱ نوامبر ۱۸۹۰ در ۱۳ سال هفدهم و موضوع آن امتیاز تنباکو در ایران بوده در آنجا مینویسد: در روزنامه صباح شماره ۴۳۰ در مورخه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۰۸ مطابق ۹ نوامبر ۱۸۹۰ در ضمن خلاصه اخبار موضوع امتیاز تنباکو ایران را شرح میدهند خود نیز علاوه نموده گوید چون این مسئله بتفع مات ایران است این است آنرا ترجمه مینمایم . این است ترجمه آن نقل از روزنامه صباح عثمانی مورخه... روزنامه مذکور

چنین مینویسد: «مادر ضمن اخبار جراید اروپا ملاحظه نمودیم اعلان امتیاز تنباکوی ایران در آنها درج شده است و مواد اساسی آن نیز در آنها تشریح شده و اطلاعات کافی از آنها بدست آورده ایم. بملاحظه اینکه این مسئله مربوط بمقدرات ممالک اسلامی است ما مسائل برجسته آنرا در این جا نقل کرده و نظریات خود را نیز علاوه بعینه مائیم.

بموجب مندرجات جراید فوق الذکر و اعلانات آنها امتیاز تنباکوی ایران در ۹ مارس ۱۸۹۰ بر حسب میل و اراده شاه که مقصود از زراعت، خرید و فروش تنباکوی ایران باشد با شرایط مخصوص بیک نفر بطور انحصار داده شده است.

این امتیاز بمدت پنجاه سال واگذار شده است در عوض آن سالیانه مبلغ پانزده هزار لیره بخراند دولت ایران از این بابت عاید خواهد گردید و بیک چهارم عایدات خرج در رفته نیز در سال نصیب دولت ایران خواهد شد.

صاحب امتیاز در لندن با سرمایه ۶۵۰ هزار لیره انگلیسی کمپانی تشکیل داده و این سرمایه هم بطور سهام جمع آوری خواهند شد. هفتش کل گمرکات ایران (۱) محصول تنباکوی سالیانه ایران را قریب پنج میلیون و چهارصد هزار کیلوگرام تخمین زد ما مستوا از این مقدار قریب چهار میلیون کیلوگرام بخارج حمل میشود بموجب این حساب صاحب امتیاز امیدوارست که نفع آن در سال بالغ بر پانصد هزار لیره انگلیسی خواهد گردید و پیش بینی میکند که پس از ادای تمام مخارج و حقوق امتیاز دو سال بتواند ۱۵ درصد بصاحبان سهام نفع بدهد.

پرافسور برون در این جا علاوه نموده از قول روزنامه فوق الذکر مینویسد: «شخص نویسنده این مقاله علاوه بر این مطالب یک مقایسه نیز بین امتیاز رژی مملکت عثمانی با امتیاز رژی مملکت ایران نموده مینویسد: «اعلامیه کمپانی رژی ایران در ضمن تصدیق دارد از اینکه این ارقامیکه ذکر شده است اغراق نمیشود با این حال کمتر مردد است از اینکه بتوانند این مبالغ هنگفت را از این امتیاز بهره بردارند میگویند با اینکه در مملکت فرانسه پنجاه سال است رژی برقرار شده و سرحدات آن محافظت

(۲) مقصود کتابچه است آنفوان کتایبی در سال ۱۸۴۳ در استانبول متولد شده در ۱۹۰۲ در یکی از شهرهای ایتالیا در گذشت در سال ۱۸۷۸ بناصر الدین شاه معرفی شد و داخل خدمت دولت ایران گردید و تا سال ۱۸۹۴ در ایران بود بعد از طرف دولت ایران فونسل بروکسل شد. نقل از تاریخ انقلاب ایران تألیف برون ص ۴۰۵.

میشود با این احوال باز قاچاق این متاع چه زمان دارد در مملکت ایران هم با اوضاع فعلی آن بدون تردید قاچاق زیاد رخ خواهد داد و ممکن است باین امیدوارینهای ماسکه وارد آورد.

روزنامه فوق الذکر دولت ایران را ملامت میکند از اینکه يك چنین امتیازی را که این اندازه دارای اهمیت است در مقابل يك مبلغ جزئی که میزان آن فقط ۱۵ هزار لیره است با این اختیارات با جانب بدهنده مخصوصاً آنطوریکه در امتیاز قید شده است صدور آن و تجارت داخلی آن کلاً بصاحبان امتیاز واگذار شده است در حقیقت میتوان بطور کلی گفت تنباکوی ایران در طریقی اخلاص گذاشته شده برایگان با جانب داده شده است و موضوع قابل دقت و ملاحظه همین نکته است و تصور آن را هم نمی شود کرد که يك چنین عملی ممکن است صورت بگیرد.

حقیقت مسئله برای همه کس معلوم است از اینکه صادرات يك مملکتی ثروت حقیقی آن مملکت است بنابراین فرمانفرمای هر مملکتی میبایست با تمام وسائل ممکنه و از هر طریقی که لازم باشد برای صدور مالیات تجاره خود کوشیده اسباب آنرا فراهم آورد و موانع آنرا بر طرف کند و آنرا آزاد بگذارد و این امتیازی که دولت ایران بيك کمپانی انگلیسی داده است این عمل دولت ایران درست مخالف آن حقایق و نظریاتی است که در فوق ذکر شد. بنابراین عمل آوردندگان تنباکوی ایران را دست و پنا بسته تسلیم کمپانی صاحب امتیاز نموده اند نظر بشرایط امتیاز تنباکو و ایران آنها دیگر نمیتوانند محصول تنباکوی خودشان را آزادانه به بهترین قیمت بفروشند نتیجه این خواهد بود آن کسانی که در ایران از زراعت و خرید و فروش تنباکو امر معاش میکردند گرفتار زیان و ضرر خواهند شد و تجارت این متاع دوچار خسارت فسوق العاده خواهد گردید .

پس از این بیانات موضوع انحصار تنباکوی مملکت عثمانی را شاهد میآورد مینویسد: امتیاز رژی مملکت عثمانی فقط مربوط بداخله است انحصار خارجی آن بکلی آزاد است و دولت ایران غفلت نموده است از اینکه قبلاً مطالعات لازمه را نموده این مسائل را در نظر بگیرد و انحصار رژی عثمانی بکلی چیز دیگر است این امتیازی که دولت ایران

داده هیچ شباهت بآن ندارد . هرگاه دولت ایران مایل بود يك مالیاتی از تنباکوی ایران بدست آورد دیگر محتاج باین نبود که يك چنین امتیازی را با جانب بدهد و با مختصر زحمت و اقدام کوچک میتواند مبلغ کلی از این راه بدست بیاورد و این کار سهولت انجام میگرفت و هم محتاج بدخالت اجانب هم نبود و لازم نبود يك چنین بارگرانی را بدوش ملت ایران بگذارند.

بنابر آنچه که گفته شد (روزنامه فوق الذکر مینویسد ، تمام اینها از روی نیت پائین و علاقه مخصوص بود که معاسیت بملت ایران دار به و امیدواریم این ملت و مملکت بترقیات عالیله نایل گردد و بتواند خود از منابع ثروت خود استفاده کند.

ما آنچه را اظهار نمودیم از روی صمیمیت بود و ناچار بودیم آنها را بنویسیم و امیدواریم مواد و شرایط این امتیاز غیر از آن باشد که صاحبان امتیاز در اعلامیه و اعلانات خودشان نشر داده اند و وزراء دولت علیه ایران منافع ملت و مملکت را آنطوریکه باید و شاید در نظر گرفته اند و موضوع آن غیر از اینها است که ما در فوق شرح دادیم .

در این جا روزنامه اختر علاوه کرده مینویسد . «تا این تاریخ هیچ اطلاعاتی در این باب بما نرسیده است و از مواد و شرایط و خصوصیات این امتیاز هیچ اطلاعی نداریم ولی اعلامیه که صاحبان امتیاز تنباکوی ایران در جراید خارجه نشر داده اند فقط ما آنها را دیدیم که در فوق اشاره شد فعلا چیزی که ما میتوانیم علاوه کنیم این است که هرگاه شرایط و مواد این همان است که هم قلمها «صباح» بدانها اشاره نموده است در این صورت آنچه که روزنامه فوق الذکر گفته و نوشته است نظریات آن صحیح می باشد و پیدا است که از روی خیر خواهی نوشته است اگر غیر از اینها باشد در این صورت باید شرایط فر همان شاعر دید و قضاوت نمود .»

پرافسور بسرون بعد از ترجمه مقاله روزنامه صباح و روزنامه اختر خود علاوه نموده می نویسد : این مقاله سبب شد که من قدری در این باب فکر بکنم و در آن وقت نماهم.

البته در آن روزها ممکن نبود این نوع مطالب در جراید داخلی ایران آزادانه نوشته شود و تمام آنها بدون نظریات شخص شاه ممکن نبود چیزی بنویسند و الاشکی

نیست دادن این امتیاز در میان ملت ایران تأیید موثقی مینمورد و راضی نمیشدند چنین امتیازی داده شود.

در همان روز بود که یکی از معتبرین این کمپانی از من سؤال نمود آیا من حاضر هستم يك كالمهمی در این کمپانی قبول کنم چون صبح آن روز آن مقالات را در روزنامه اختر خوانده بودم و ایرادات دیگر هم خود من داشتم دیگر محتاج بفکر کردن نبود فوری جواب رد دادم و من تا امروز هم از آن جواب رد که بکمپانی دادم خوشوقت می باشم -

حال سال ۱۳۰۹ - ۱۸۹۲ شروع میشود در این سال کمپانی رژی ایران دست به عملیات میگذازد و میخواهد مواد و شرایط این امتیاز منحوس را بموقع اجراء گذارد. در ۲۳ فوریه ۱۸۹۱ يك عده از تجار معتبر ایران با اتفاق میرزا علی خان امین الدوله که درست نقطه مقابل امین السلطان بود بحضور شاه تشریف حاصل نموده راجع بامتیاز تنباکوی ایران عرایضی عرض کردند و اظهار مخالفت نمودند ولی مؤثر واقع نگردید و کمپانی هم شروع بعملیات نمود.

دکتر فوریه که شرح او قبلاً گذشت در کتاب خود چنین مینویسد: « در اوایل بهار ۱۸۹۱ گروهی از اتباع انگلیسی با اعضاء انگلیسی کمپانی رژی ایرانی تمام نقاط ایران وارد شدند ایران يك محل اقامتگاه خوبی است مخصوصاً برای آنها نیکه بنخواهند اوقات خودشان را در آنجا بگذرانند (ص ۳۰۹). روزنامه طیمس لندن نیز در اوایل پزیریل ۱۸۹۱ اطلاع میدهد که رئیس کل امتیاز تنباکوی ایران مستر ارم استاین (۱) با يك عده از اعضاء خود در ۳۰ مارس ۱۸۹۱ از استانبول حرکت نموده عازم ایران شدند چون در ایران در آن اوقات روزنامه حساسی وجود نداشت جزئیات امر را نمیتوان بخوبی درك نمود و مردم از آن اطلاعی نداشتند ولی همینکه حضرات وارد شدند و داخل عمل گردیدند مردم فهمیدند که موضوع از چه قرار میباشد بنابراین در تمام مملکت یا يك سختی و خشونت بر علیه آنها قیام کردند ».

بر افسور برون از قول دکتر فوریه میگوید: « بنا بر مندرجات کتاب دکتر فوریه

که من مرهون قسمتی از اطلاعات کتاب ایشان میباشم و یکی از مسائل من در فهم قضایای امتیاز انحصار تنباکوی ایران میباشد مینویسد : قیامهایی بر ضد عملیات کمپانی رژی در جنوب شروع گردید مخصوصاً در یزد در شیراز حاجی سیدعلی اکبر مجتهد تبعید شدند در قیام آنجا بر ضد اروپائیان چند نفر هم تلف شدند از آن جمله یک زن و یک دختر چیه بود در تهران نیز ازدحام غریبی شد و همه جا بر ضد امتیاز رژی قیام کردند و عده زیادی از اشخاصیکه بر ضد امتیاز بودند دستگیر شدند از آن جمله میرزا رضای کرمانی بود که بعدها قاتل ناصرالدینشاه شد .

پلوریکه دکتر فوریه مینویسد : موضوع مخالفت با امتیاز تنباکومثل این بود که این کار از وظایف عمومی است زیرا که هر مرد و زن ایرانی در تنباکو و توتون علاقمند است با این احوال چگونه ممکن است آنها را وادار نمود بمنافع و اهمیت امتیاز تنباکو آشنا شوند ملت ایران را نمیتوان مجبور نمود و آنها را وادار کرد توتون و تنباکوئی که خودشان بعمل میآورند آنرا از کمپانی انگلیس خریداری کنند هرگز ملت ایران راضی نمیشود تنباکوی خودشان را از دست عمال انگلیسی خریداری کنند در صورتیکه بقیتمه آنها فرنگی ها بهر چیزی که دست بزنند آنرا ایرانیها نجس میدانند .

دکتر فوق الذکر مینویسد : معروف است که علماء ایران در رأس این قیام میباشند و محکم تهریم تنباکو و توتون از مجتهد کربلا صادر شده است او هم حاجی میرزا حسن شیرازی است این هیچ تعجب ندارد بعقیده من کمتر چنین موضوعی عانی پیش میآید که علماء خودشانرا مخالف آن معرفی کنند و از منافع عمومی طرفداری کنند .

برون میگوید : « معلوم میشود که در تاهستان دکتر فوریه همراه شاه بیبلاق رفته و از جریانات ضدیت های مردم اطلاعی بدست لیاورده است ولی از ۲۱ اوت ۱۳۰۹ تا ۱۸۹۱ تا الغای قرار داد منحوس رژی که در ۵ ژانویه ۱۸۹۲ بوده و ترتیب ادای غرامت بصاحبان امتیاز که آن هم در اپریل ۱۸۹۲ بوده دکتر مذکور شرح قابل توجهی از پیش آمدهای آن ایام یادگار گذاشته است .

قیام تبریز در این موضوع وجدیت آنها در این عمل خیلی مؤثر واقع شد اعلانات

کمپانی دادران شهر مردم پاره کرده در عوض بجای آنها اعلانات مخالفت آمیز خودشانرا الصاق کردند .

امیر نظام (۱) در اثر مخالفت خود با ولیعهد از ایالت آذربایجان معزول شد و بجای او امین حضور منصوب گردید .

اهالی تبریز اعتراض سختی بوسیله تلگراف بشاه نمودند و جداً مخالفت کردند از اینکه حقوق آنها باجانب واگذار شده و اطلاع دادند که حاضرند حقوق خودشانرا با قوای خود حفظ کنند .

در این موقع امین السلطان با سر هنری درو مووندولف داخل مذاکره شد و مشیرالدوله نیز با وزیر مختار روس مذاکره نمود و این دو وزیر بعد با خود شاه ملاقات و مشورت کردند . ظاهراً شاه از دولت روس تقاضا نمود برای اعاده امنیت تبریز اقدام نماید ولی دولت مزبور اشاره نمود بهتر است شاه عاقلانه حرکت نموده امتیاز رژی را لغو کند بعد شاه متوسل شد که اعضاء کمپانی در ایالت آذربایجان از خود تبریزها انتخاب شود اما تبریزها بهیچ چیز قناعت نکردند جز اینکه امتیاز لغو شود شاه چاره نداشتند مگر اینکه عملیات رژی در آذربایجان موقوف شود و این کار در آخر ماه سپتامبر عملی شد این اقدام سایر شهرها را هم تشویق نمود مخصوصاً اصفهان و شیراز که همان عمل تبریز را انجام دادند در این بین مراسله مفصل حاجی میرزا حسن شیرازی از سر من راه (سامره) رسید در آن مراسله بشاه نوشته بود که دادن امتیاز باجانب مخالف نص صریح آیات قرآن است .

در اواخر ماه اکتبر سیدی معروف به المگیر از اهل کلاردشت قیام کرد و مردم را بمخالفت دعوت نمود و طولی نکشید عده ای بر دور او جمع شدند در دوم نوامبر ساعده الدوله بایک عثم پانصد نفری سوارها مورد تنبیه او شد در عرض دو هفته سید مذکور مغلوب و قریب دو بیست نفر از پیروان او تلف شدند و خود او را مغلولاً بطهران آوردند و ساعده الدوله درازاء این خدمت پنجاه سرتیپی رسید .

(۱) لردگرن در جلد اول صفحه ۴۳۱ مینویسد : امین نظام با مردم همراه بود و با رژی مخالف بهمین علت شاه او را معزول نمود و به طهران احضار کرد .

در اوایل دسامبر ۱۸۹۱ مراسله مفصلی از حاجی میرزا حسن شیرازی رسید و به مردم سرریحاً امر شده بود تا الفای امتیاز عملی نشود از استعمال دخانیات احتراز کنند و این یک کار قابل تحسین بود که بدون مقاومت و خوریزی امتیاز رژی را بدین وسیله از بین بردند و مردم نیز بدون رعایت چیزی همگی اطاعت نمودند. فوراً تمام دکانین تنباکو فروشی بسته شد و تمام قلیان ها شکسته گردید دیگر کسی استعمال دخانیات نکرد نه در شهرونه در خارج حتی در اردوی شاه نیز کسی جرئت کشیدن قلیان نداشت در اندرونها هم دیگر استعمال تنباکو و توپون موقوف گردید این اطاعت مردم از پیشوای مذهبی قابل تقدیر است.

دکتر فوریه در این موقع مینویسد: علماء حقیقتاً در ایران حاکم بر قضایا هستند بستن تمام دکانین را باید از حاجی حسن امین‌الضرب که رئیس تجار است دانست او را بقزوبین تبعید کردند حال دیگر خیلی مشکل است از امتیاز تنباکو دفاع نمود حتی آنهایی هم که باید طبیعتاً دفاع کنند (مقصود سفارت انگلیس است) پیداست حاضرند از آن دست بردارند حتی رئیس دخانیات که ملاقات نمودم مایوس بود شنیدم وزیر مختار انگلیس گفته است با این پیش آمدی که شده است و در مشکلاتی که دولت ایران گرفتار است مقاومت مورد ندارد بعقیده سر فرانک لاسالی^(۱) وزیر مختار تازه وارد دولت انگلیس دیگر غیر ممکن است بتوان از کلسلف خود فایده گرفت.

برثون مینویسد: «در تمام مدت ماه دسامبر ۱۸۹۱ ضدیت روز بروز با امتیاز تنباکو شدیدتر میشده. در یادداشت‌های سوم دسامبر خود دکتر فوریه مینویسد: برای اینکه شاه از این خطر امتیاز تنباکو خلاص شود از شهر خارج و با طرف طهران مسافرت نمود و امین‌السلطان را در شهر گذاشت که با پیش آمدها دست بگریبان شود حتی به پیغام وزیر مختار روس هم اعتنا ننمود که مراجعت کند چونکه اوضاع داشت خطرناک میشد و ممکن بود برای اروپائیهای مقیم طهران خطری متوجه شود در تیریز قندی آرامش پیدا شده بود آنهم در اثر این بود که امتیاز لغو خواهد شد ولی این آرامش

(1) Sir Frank Lascelles

این شخص در ۱۳ نوامبر ۱۸۹۱ وارد طهران شد که بجای سرهنگری در موندوالف تقرر کرد و در آن تاریخ هم ولایت از ایران رفت.

چندان دوامی نداشت و مجدداً مردم بهیچان آمدند وضعیت آنها بسیار بد شد و آنها با تمام ملت ایران هم آواز شدند. حال دیگر علماء جسور شده بودند در مجلسی که امین السلطان ترتیب داده بود که برای الغای امتیاز مذاکره شود و خسارتی که باید بشرکت دخانیات داده شود یکی از علماء خطاب با امین السلطان کرده گفت این خسارت را آنها باید بدهند که در این کار رشوه گرفته شاهرا بدادن این امتیاز حاضر نمودند و اسامی آن اشخاص را که رشوه گرفته بودند همه را یکان یکان شمرد.

در شب عید میلاد مسیح در تمام در و دیوار شهر اعلان کردند هر گاه تا ۲۸ ساعت دیگر امتیاز رژی لغو نشود جان اتباع اروپائی در خطر خواهد بود اروپائیهای مقیم طهران خیلی ترسیدند مخصوصاً سفارتخانهها، این بود که در ۲۸ دسامبر در تمام گذرها سر باز گذاشتند و اعلان کردند که امتیاز رژی از طرف شاه لغو شده با این اقدامات مردم تا حدی ساکت شدند ولی حاجی میرزا حسن شیرازی در سامره در حکم خود باقی بود و منتظر بود وعده شاه عملی شود.

در اول ژانویه ۱۸۹۲ تلگراف مفصلی از حاجی میرزا حسن شیرازی رسید و در آن بشاه تبریک گفته بود از اینکه امتیاز دخانیات را لغو کرده است و تذکر داده بود که سایر امتیازات را باطل کند.

در این موقع سهام بانک شاهی فوق العاده تنزل نمود تا حدیکه به نصف قیمت رسید در سوم ژانویه ۱۸۹۲ شاه به میرزا حسن آشتیانی پیغام فرستاد یا در میان مردم علناً قلبان بکشد و یا از ایران خارج شود حاجی میرزا حسن شوقانی را قبول نمود ولی اقدامی برای حرکت ننمود.

مردم از شنیدن این خبر ازدحام نموده بهیچان آمدند و بطرف قصر سلطنتی هجوم آوردند سادات دورارک را محاصره نمودند قشون با آنها شلیک کرد و چند نفر افتادند از آن جمله یک نفر سید بود کلیه هفت نفر کشته شد و قریب بیست نفر هم زخمی شدند جمعیت متفرق شدند دو روز دیگر شاه يك انگشتر الماس برای حاجی میرزا حسن آشتیانی فرستاد که صلح کنند ولی او قبول ننمود و جواب داد تا امتیاز تنباکو لغو نشود او قبول نخواهد نمود و انگشتر را پس فرستاد.

در ۲۶ ژانویه ۱۸۹۲ چارچی راه افتاد در بازارها لغای امتیاز تنباکورا چارزد و بک فرح و خوشحالی فوق العاده در اثر این در مردم پیدا شد دو روز بعد قریب چهل نفر از عمال کمپانی رژی از ایران حرکت نموده و با وطن خود رفتند.

دکتر فوریه در اینجا علاوه کرده گوید: بدون تردید اغلب آنها این پیش آمد را برای مدت های مدیده فراموش نخواهند کرد و این حادثه از یاد آنها نخواهد رفت چه بحرانی خطرناک گذرانده اند ولی از واقعه فایده خوبی بردند و مزد کافی گرفتند و دولت ایران خوب جبران نمود. حال دیگر امتیاز تنباکو تمام شد اما اثرات آن هنوز باقی است مخصوصاً برای دولت انگلیس و نفوذ آن خوب پیش آمدی نکرد چونکه رول خود را نتوانست خوب بازی بکند بر عکس روس ها به نفوذ آنها افزوده شد.

پادداشت های روز ده و یازده ماه فوریه آن سال دکتر فوریه قابل تذکر است در آن روزها مینویسد: «در این هیچ تردیدی نیست که عملیات در سها در این موقع و در این پیش آمدها قابل ملاحظه است»

مدت زمانی است که رقابت شدیدی بین روس و انگلیس در این سرزمین در جریان است و در این پیش آمد برای روسها بک فتح نمایانی نصیب شد زیرا که امین السلطان بخوبی حس کرد آن سیاستی که تا حال تعقیب مینمود محکوم بزوال شد و بموقع توانست خطر آنرا درک کند و از آن احتراز کند برای اینکه میباید خود نیز بخطر آن گرفتار شده از کار معزول گردد این بود نقشه خود را عوض کرده با روسها کنار آمد خوشبختانه صدراعظم امتیاز تنباکو را لغو نمود و مملکت را از خطر رهاید.

حال امین السلطان از سفارت روس مراجعت ننوده قریب ۳ ساعت در سفارت روس با مسبودو پوتروف^(۱) مشغول مذاکره بود و پوزیر مختار روس قول صریح داده است که وضع سیاست خود را تغییر خواهد داد علاوه نموده گفته است که شما ممکن است قول مرا پاور نکنید ولی عملیات من بزودی صمیمیت مرا ثابت خواهد نمود.

روسها باید در این موقع بخودشان تبریک بگویند نتیجه که بدست آوردند ترجیح دارد از اینکه نگذارند صدراعظم معزول شود شاه نیز مایل است او را در کار

خون نگاهدارد. سیو بو تروف نیز در این کار صمیمی است و صمیمیت او هم کمتر از صمیمیت امین السلطان نیست و باو وعده داده است دولت روس از او حمایت خواهد کرد و خود وزیر مختار نیز شخصاً با او مساعد خواهد بود.

دکتر فوریه دنبال مطلب را چنین مینویسد: «احساسات خوب من نسبت بروسها به هیچکس پوشیده نیست این جا همه آنرا میدانند و این احساسات نیک من درباره روسها از بیست سال قبل از قره‌طاغ شروع میشود.»

همه کس ارادت مرا هم نسبت بامین السلطان میداند و پشهریار ایران نیز علاقه مند هستم با اینکه من در سیاست بازی نمیکم با این حال اجازه میخوام چند کلمه در این باب گفته و از این موافقت که پیش آمده و مرا خوشحال نموده است شغوشادی خود را اظهار بدارم و قلباً آرزو مندم این موافقت همیشه باقی و برقرار بماند و زاید نخواهد بود اگر علاوه بکنم از اینکه این تصمیمیکه سدر اعظم گرفته است در نتیجه رسیدن راپرتهای نمایندگان ایران در پترزبورغ و استانبول بوده که برای شاه فرستاده بودند در واقع این راپرتهای شاهرا فوق العاده متأثر نموده است.

امپراطور روس پیغام داده است که با سلطان عثمانی داخل مذاکره شده اختلاف سرحدی بین ایران و ترکی را پایان خواهد رسانید این مسئله خیلی مهم میباشد و موضوع صدور تنباکو را بخارج اصلاح خواهد نمود.

در ۱۱ فوریه شاه بوزیر مختار روس اجازه حضور داد و در حضور شاه صحت گفتار سدر اعظم را وزیر مختار تصدیق نمود و از موافقت تامیکه بین روس و ایران اخیراً پیش آمده است اظهار رضایت نمود.

یادداشت اخیر دکتر فوریه در این موضوع در تاریخ ۵ اپریل ۱۸۹۲ میباشد در این تاریخ مینویسد: «بالاخره قرار خسارت کمپانی وژی داده شده است پس از مذاکرات طولانی امروز قرارداد آن بین دولت ایران و سفارت انگلیس با مضاعف سینودر آن قرار داد تصریح شده است که دولت ایران مبلغ پانصد هزار لیره بشرکت تنباکوی ایران بدهد و در مقابل این مبلغ کمپانی حاضر شده است القای امتیاز مذکور را قبول نماید و تمام تنباکوی شرکت و انانید آن متعلق بدولت ایران خواهد بود.»

بدین وسیله يك امتیاز يکه این اندازه تولید زحمت نموده بود نقض گردید و چند روز بعد که عید رمضان خواهد رسید سکنه ایران باراحتی خیال عید روزه را خواهند گرفت و از این ابوالهول یا بختک خیالی آسوده خواهند گشت.

پس از ترجمه و نقل یادداشت‌های دکتر فوریه^(۱) خود علاوه نموده گوید: «اینکه حیثیت دولت انگلستان در قضیه امتیاز تنباکوی ایران لکه دار شد این پیش آمد طبیعی بود و غیر ممکن بود که بتوان از آن پیش آمد جلوگیری نمود اساساً گرفتن این امتیاز غیر عادلانه بود و برای اشخاصیکه در این قضیه دخالت داشتند بی اعتباری فوق العاده تولید نمود. شاه ایران برای مختصر نفع شخصی خود بدون مطالعه يك بار سنگینی روی شانه ملت ستم دیده ایران گذاشت و همین اقدام سبب شد که آن ملت بلا دیده بهیچان آمده آن اوضاع را پیش آورد و معلوم نیست عاقبت آن بکجاها منجر خواهد شد و هنوز هم که هست این ملت بدبخت در تلاش میباشند و نتیجه آن را نمیتوان پیش بینی کرد تلفات جانی در این کشمکش بین شاه و ملت خیلی زیاد بود ضرورتاً آن فوق العاده.

قبلاً کمپانی رژی مبلغ ششصد و پنجاه هزار لیره مطالبه خسارت مینمود و دولت ایران حاضر شده بود ششصد هزار لیره بدهد بالاخره مبلغ در پانصد هزار لیره قطع شد و این مبلغ را دولت ایران به صدی شش تنزیل از بانک شاهنشاهی ایران قرض کرده خسارت کمپانی را پرداخت و این عمل در ۲۷ آوریل ۱۳۵۹-۱۸۹۲ انجام شد بدون هیچ جهت و سببی ملت ایران را زیر بار يك چنین قرضی در آوردند ملتی که نه در نفع و نه در ضرر آن هیچ شرکتی نکرده بود و بعد از این هم هیبایست مالی سی هزار لیره تنزیل آنرا بدهد.

برای تأمین اعتبار این قرضه گمرکات جنوب راند و بانک بودیعه گذاشتند که در مدت چهل سال اصل و فرع آنرا بپردازند تمام این عملیات در نتیجه حرص و طمع چند نفر سرمایه دار انگلیسی و با هم دستی چند نفر وزیر خائن درباری طهران انجام گردیده بود.

(۱) شاه در سفرنامه خود اشاره باین دکتر نموده است.

فقط يك نتیجه مطلوب و مفید از این امتیاز مشتموم گرفته شد آن این بود نه ملت ایران در تحت هدایت علماء روحانی خودشان بایک متانت و بردباری تمام و آزادی عقل و فراست نشان دادند که تحمل هم حد و اندازه دارد و بیش از آن حد نمیتوان تحمل نمود و این ملت نشان داد که این اندازهها هم بی حس نیست و بمنافع خود بی علاقه نمیشد که تصور شده بود بعقیده من حس بیداری ایرانیان از آن تاریخ شروع شده و هنوز هم ادامه دارد.

حال دیگر هیچ صلاح نمیشد بیش از این داخل این موضوع شده مسئولین این امتیاز منحوس را که مکرر در مکرر در پارلمان انگلیس موضوع بحث و مذاکره شده معین کنیم و یا تفسیر را بگردن بعضیها بگذاریم مکرر در پارلمان انگلیس ایرادهای بجا به آن امتیاز وارد آوردند مخصوصاً در ماههای فوریه و مارس (۱۸۹۲)

در اعلامیه که در تاریخ ۲۱ ماه های ۱۸۹۲ برای قرضه ایران منتشر شده شاه مینویسد «این مسئله اسباب رضایت و امیدواری است که برای قرضه نیم میلیون لیر مدولت ایران احتیاط نمود از اینکه این مبلغ را از روسها قرض کنند و حاضر شد از سرمایه داران انگلیسی قرض کند و خسارت شرکت تنباکوی ایران را بدهد این قرض در بازار لندن بعمل خواهد آمد و توسط بانک شاهنشاهی پرداخت خواهد شد این خاتمه خوبی که پیدا نمود در اثر اقدامات سرفرانک لاسلس وزیر مختار ما در طهران بعمل آمد و شاهرا از يك ناراحتی آسوده گردانید و این پیش آمد فوق العاده چه از حیث مالی و چه از حیث سیاسی برای شهریار ایران خیلی ناگوار بود.

شرایط این قرضه هنوز علنی نشده ولی آنچه که تا حال فهمیده شده قابل امیدواری است چونکه گمرکات جنوب و ثقیه این قرضه میباشد این قرار بطور اطمینان بخش قابل اعتبار و اعتماد است و این تا حد و حدودی است که تجارت انگلستان در آن نواحی سایرین برتری دارد ترقیات تجاری انگلستان در این قسمتها در تمام این سنوات اخیر فوق العاده رضایت بخش بوده مخصوصاً در تمام جنوب ایران از اصفهان تا کنار خلیج فارس تجار انگلیس عامل پر حسته در عالم تجارت آن قیمتها میباشد و در حالی که به بنادر معتبر خلیج فارس از قبیل

بندرعباس- لنگه- و بوشهر مدام کشتی های انگلستان را هندوستان آمد و شد میکنند (۱)
 این بود خلاصه مندرجات کتب چند نفر از مصنفین اروپائی و ایرانی که در باب امتیاز
 انحصار تنباکوی ایران نوشته اند از مندرجات کتب این چند نفر چنین بر می آید که تا آن
 تاریخ یعنی تا سال مراجعت شاه از اروپا که در سال ۱۳۰۷ بوده هیچ صحبتی از امتیاز
 و یا انحصار تنباکو در پیش نبوده ولی مطلب اینطور نیست رساله چاپی بدست نویسنده
 افتاد که تاریخ آن سال ۱۳۰۳ هجری قمری میباشد که مطابق است با سال ۱۸۸۶
 میلادی این رساله را مرحوم اعتماد السلطنه نوشته است از مندرجات آن معلوم است
 همه جا خود را خانه زاد مینویسد این رساله مانند یک پروژیه یا طرح پیشنهادی میباشد
 که در سال ۱۳۰۳ هجری قمری برای اطلاع شهریار ایران نوشته شده است من در اینجا
 بطور خلاصه بدان اشاره میکنم .

در مقدمه این رساله مینویسد : « بدیهی و مسلم است که آبادی ممالک و حصول
 مقاصد و انجام هر گونه مرام منوط و متعلق بوجود وجوه و نفوذ میباشد چون خزینه
 دولت معمور شود سر باز از دریافت مواجب منظم و جیره مقرر جانباز گردد و بلاد و عباد
 بر قاهیت و خوشبختی انباز آید ساختن ابنیه عالی بنای مدارس علمی و نظامی ، راه آهن
 کشیدن سیم تلگراف ، نظافت شهرها ، دایر داشتن دوایر ، حفظ صحت ، نظم ادارات
 دولت ، جلوه و شکوه کشور و لشکر ، و آثاریکه بر آن مترتب میشود همه اسمی است
 که بی صرفی خرج محال است صورت فعلیت بهم رساند و تا دخل نباشد خرج ممکن
 نیست پس باید راه استطاعت را بدست آورد و طریق تمکن بذل مخارج را پیدا کرد
 نظر به این منظور خاله زاد مقاله بدعنوان کلید استطاعت نگاشته بر من خاکپای مبارک
 میرساند و توجه اصناف دولت علیه و صاحبان آرای صائبه را بجانب مطلب جلب مینماید
 و هر گرا جوابی یا ایرادی باشد بهتر آن است که پس از امان نظر در حاشیه کتابچه
 مرقوم دارد تا صحت و سقم مسئله بدستی معلوم شود .

کلید استطاعت . شك نیست که استطاعت و تمکن دولت بمالیاتی است که از رعیت
 میگیرد اما دو ملاحظه لابد در این کار است اول اینکه این معامله از روی حسن انصاف

باشد تا امنای دولت بظلم و تعدی متهم نکرده و برخلاف رضای خدای متعال کاری نکنند و نام ایشانرا در شهور و ایام به نیکی برند. دوم آنکه رعایا در زیر بار گران درنمانند و بواسطه تحمیل فوق طاقیت از کار بیقینند متفرق و پیریشان نشوند و بیلاد و اماکن خارجه بروند که ننگی بار آید و مدعی اینرا اسباب کار نماید بنابراین جانی است که باید بقتل نمود و موقعی است که باید اخذ کرد و تشخیص این فقره موقوف بآزای دانشمندان و ارکان دولت است خاتمه زاد از آنجمله نیست ولی آنچه را درک میکند وظیفه چاکری و ادای شکر مواهب و لینعمت همایون خود دانسته بمرض میرساند اعم از اینکه مقبول افتد یا مردود شود و در هر حال خیالی است که بوقوع آن امیدواری دارد و مسئله را محقق میندارد و محض توضیح و استشهاد به تمهید مقدمه شروع و ابتدا مینماید بذاکر بعضی از دول که ناچار به تحصیل مایه و مکنتی پرداخته و سرچشمه داخلی برای مخارج خود آماده ساخته اند و از آنجمله است دولت یونانی که با اراضی جدیدی که بمناسبت جنگ آخری روس و عثمانی باو واگذار شد و ضمیمه خاک آن گردیده و مساحت تمامی مملکت یونان معادل شصت و چهار هزار و ششصد و هشتاد و هشت کیلومتر است و تعداد نفوس رعایای آن بهمه جهت تقریباً چهار کرور می باشد عساکر این دولت در زمان صلح بیست و نه هزار و سیصد و شصت و هشت نفر و در هنگام جنگ زیاده از صد هزار سواره و پیاده و توپچی و سایر افراد از قبیل مهندس راه ساز و پل ساز و عملجات مریمخانه و غیره است و امروز بملاحظه اتمشاش بلغارستان هفتاد و پنج هزار نفر از دستجات قشون خود را در زیر اسلحه حاضر کرده مقدونیه و جزیره کرمت و قسمتی از ولایت یابینا را از دولت عثمانی مطالبه دارد سلاح عساکر یونان جدید همانست که قشون دولت فرانسه بدان مسلح میباشد . . .

نویسنده این کتابچه در دنباله مقدمه خود از توپخانه یونان و بحریه آن و قشون بحری یونان صحبت میکند بعد میگوید: « دولت کوچک یونان که چندگاهی از استقلال آن نمیکند و با عدم مساحت خاک مملکت و قلت عدوسکنه اگر خیال پخته برای خرج و دخل خود نکرده بود چگونه میتوانست از هر بیست و پنج نفر متنفس یا از هر دو آزرده نفر مرد مملکت خود یک نفر را مسلح کند و در خیال باشد که بعضی قطعات ممالک دولت

شمانی را از او منتزع نموده مالک شود .

پس از شرح اوضاع و احوال یونان داخل دره و خروج دولت رومانی شده مینوبسد
دولت رومانی که در سال ۱۲۹۷ هجری یعنی هفت سال قبل استقلال یافت و سمت
میلکش ۱۲۹/۹۳۷ کیلومتر مربع است و قریب ۱۱ کروڑ جمعیت دارد .

در اینچنانیز نویسنده کناچه احصائیه صحیحی از ترفیعات دولت رومانی مینگارد
از توپخانه و کشتی جنگی و راه آهن آن و از زراعت غله و حیوانات در آن مملکت صحبت
می کند و میگوید پس دولت رومانی فکر صحیحی برای دخل خود کرده که دارای
استعداد مذکوره در فوق شده است چه استعداد با استطاعت است و بذل مخارج چنانکه
ذکر شد .

دولت ایران که از هیچ جهة طرف بسپت بادولتهای مذکوره نیست و در اقلیم
آسیا بمنزله فرانسه است در اروپا و وسعت خاکش تقریباً چهارده برابر رومانی و بیست و
چهار برابر یونان است با اراضی حاصلخیز که حکماء و شعراء و علمای جغرافی فرنگی
بتعریف آن پرداخته و محسنات آنرا کتا بها ساخته اند و اقرار نموده اند که ممالک دولت
علیه دارای هر قسم شایستگی و مزیت است اگر استعداد ذاتی خود را بظهور نرسانده
البته راهی دارد و آن باید قلت دخل دولت باشد و وسیله لازم است که بر دخل افزونه
شود تا مخارج لازمه امکان داشته باشد و آنچه امروز مملکت در قوه و پنهان دارد بزودی
بمیان اقبال و بخت بلند اعلی حضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه صورت فعلیت بهم رسانیده
آشکار گردد .

چنانکه پیش اشاره نمود دخل دولت مالیات است که از رعیت بگیرد و افزون آن
اگر از روی ملاحظات عادلانه و تدابیر سائبه نباشد اسباب دردسر و بدنامی و شکایت رعایا
بلکه فقر و پریشانی و متفرق شدن آنها است و کار آگاهان ممالک و وزراء دانشمند دول
بار بردوش کسی نهادمانند که توانای بردن آنها داشته است و ضمناً و فقرای مملکت را
همیشه سبکبار نموده و همت با آبادانی و ترقیه آنها گماشته اند مثلاً بر نان و هر چه در حکم
آنست و فقیر و غنی را احتیاج بدان یکسان میباشد تخمیلی نهاده که بر قیمت آن اضافه شود
و فقرا بسرت و مسختی افتند اما از صاحب کالسکه و درشکه و امثال این اشیاء مالیاتی از باب

داشتن آن اخذ کرده اند چه شخص فاقم و کمکت نداشته باشد صاحب کالسه و درشکه و از این قبیل چیزها نمیشود پس هرچه مدار معاش عامه است آنرا بحالت تسهیل آورده اخذی که خواسته اند از خواص و متمولین کرده یعنی مالیات را اگر افزوده اند بر اسباب تجمل افزوده که صاحبان آن قوه تحمل داشته اند و مصداق این مقال عرضی است که خانم زاد در باب توتون و تنباکو جنابکای همایون مینماید .

دولت علیه ایران ممکن است بعدها از راه درست صحیحی هر سال منفعت عظیمی حاصل نماید که مشروع و مستحسن و برطبق عدل و انصاف باشد و احدی از عقلای داخله و خارجه نتوانند ایرادی بر آن جلب نمایند و آن فایده ایست که از توتون و تنباکو می توان عاید خزینة دولت نمود و برای آنکه این مسئله کاملاً واضح شود و هیچکس را در هیچ جای آن مجال اعتراض و تردید نباشد خواه زاد این مطلب را با شرح و بسط بعضی امنای دولت علیه میرساند بلکه سوانح تاریخی توتون و تنباکو را با مذاکره ای که در تمام اقطار عالم در این باب شده و طریقه راکتول و ملد در کار این جنس اختیار کرده اند در این اوراق منظور میدارد بعد شرح چگونگی تحصیل نفع و فایده از توتون و تنباکو می پردازد و قانونی که راجع باین عمل است ضمیمه مینماید .

در اینجا اول داخل این قسمت شده که توتون و تنباکو از ضروریات زندگانی نیست و بسیاری از مردم در تمام عمر خود مطلقاً دهن به نی قلیان و چپق و سیگار نگذاشته و اصلاً در اجتناب از دخانیات خللی بحیات و زندگی آنها وارد نشده است و علاوه میکند که توتون و تنباکو از مواد اصلیه صنایع از قبیل پنبه و پشم و ابریشم و کتان و فلزات و غیره نیست تا طبقات مردم بالضروره بدان محتاج باشند . شاک نیست که کشیدن توتون و تنباکو مورث مضرات عدیده میباشد و مردم محض هوا و هوس بدان اقبال و اشتغال دارند . و بهمین ملاحظات در هر جا که توتون و تنباکو خواست شروع برواج و شیوع نماید سلاطین و رؤسای ملل بممانعت برخاسته و علماً در حلیت و حرمت سخنها گفته و رساله ها نوشته اند و چون این ها جلو هواهای عامه ناس را نگرفت برای تخفیف مضراتیکه با خرج و ولع بتحصیل آن میپرداختند اشکالی تراشیدند یعنی مالیات گزاف بر تنباکو و توتون بستند که هر کس بسهولت نتواند باین آتش سوزان نزدیک شود و نقود خود را پیوسته

دم بدم دود نماید .

نویسنده در اینجا داخل در تاریخ کشف تنباکو میشود و مسافرت اول کریستوف- کلمب را در سال ۱۴۹۸ با آمریکا و پیدا کردن جزیره تنباکو و همچنین پیدا نمودن تنباکو در سال ۱۵۶۰ در این جزیره و این گیاه با اسم همین جزیره تنباکو معروف شدن و از آنجا باطراف و اکناف عالم بردن را شرح میدهد و قسمتی از تاریخ آنرا مینویسد بعد اشاره کرده گوید : «معروف است باعث شهرت و وفور آن در ایران و توران و هندوستان بر تقالیهها بودند و آن جماعت این نبات را از ارض جدید که بنگی دنیا باشد بدست آورده و تخم و برگ آنرا به سمت ایران و هندوستان برده و از آنجا منتشر گشته . و گویند بدو شیوع آن در ایران زمان شاه عباس ثانی و در هندوستان اواخر سلطنت اکبر شاه و از اوایل دوره جهانگیر شاه بود .

مؤلف در اینجا داخل در تعریف خاصیت تنباکو شده شرحی از آن مینگارد و بعد بار دیگر داخل در تاریخ شده و ورود آنرا بایران در زمان شاه عباس بزرگ میداند و از از کتب معاصرین شاهد میآورد و این قسمت از تحقیقات در این رساله قابل مطالعه است و خوب تحقیق نموده است مینویسد : «شاه عباس کبیر در اوایل ظهور و انتشار تنباکو تعذیر و منع شدید نمود و برای استعمال آن سیاستی بسیار سخت قرار داد که سایر اکه تنباکو فروشی میکردند و در قلمرو او باین متاع تجارت مینمودند با آتش میسوخت ولی مردم به این زجر شدید منجز نگریده باصرار تمام استعمال میکردند و از خوف سیاست سلطان زیر زمینها کنده و ساخته بودند که در وقت کشیدن قلیان آنجا ها میرفتند و مشغول میشدند و از احتیاط انتشار رایحه تنباکو سوخته کهنه هادود میکردند که دود تنباکو بادود کهنه آمیخته شده بمشام کس نرسد و در این ایام که دیوان غدغن کرده بود مردم ایران تنباکورا بوزن پول سفید میخریدند بلکه از آن قیمت هم گرانتر بدست میآوردند و بکار میبردند چون شاه عباس حالرا بدین منوال دید و یقینی داشت که منع استعمال این برگ بهیچ وجه چاره پذیر نخواهد بود و محض عاجز نمودن خلق و تقلیل مکننت ایشان بر استعمال دخان خراج عظیم بر تنباکو بست که مباشرین مالیات و راهدارها همه وقت در بافت میکردند با این تدبیر باز مردم بهمان حرص و آرز میخریدند و